

باب ۹ مطلب ۱۸ خزانه‌العلم (۵۹۲)

مرکزیه است گردید و چون زاویه γ و زاویه δ قائمه‌اند درین صورت مثلث $\alpha\beta\gamma$

و $\alpha\beta\gamma$ متشابهین شدند پس $\alpha:\beta::\alpha:\gamma$ بلکه $\alpha:\beta::\frac{\alpha}{\beta}$:: مر: $\delta\gamma$

درین صورت $\delta\gamma \times \frac{\alpha}{\beta} = \alpha \times \frac{\alpha}{\beta}$ مر گردید و هرگاه این معادله را بر α قسمت کردیم

$\delta\gamma = \frac{\alpha^2(\alpha - \beta)}{\beta^2}$ گردید و چون $(\alpha\beta) = (\alpha\gamma) + (\beta\gamma)$ شکل صبروس چرا که

مثلث $\alpha\beta\gamma$ قائم‌الزاویه واقع شده و $(\alpha\gamma) - (\alpha\beta) = (\beta\gamma)$ چرا که در مثلث $\alpha\beta\gamma$

$(\alpha\beta) = (\alpha\gamma) + (\beta\gamma)$ و $(\alpha\beta) = (\alpha\gamma) - (\beta\gamma)$ امی $(\alpha\beta) = (\alpha\gamma) + (\beta\gamma)$

$2 - (\alpha\beta \times \delta\gamma)$ درین صورت $(\alpha\beta)$ امی $\alpha^2 = \alpha^2 - \frac{\alpha^2(\alpha - \beta)}{\beta}$ که عبارت

از $(\alpha\beta) + (\beta\gamma) - (\alpha\beta) = \beta\gamma$ است گردید بشکل α من ذنبه الاصول بلکه $\alpha^2 =$

$\alpha^2 \times \alpha - \frac{\alpha^2(\alpha - \beta)}{\beta} = \alpha^2 \times \alpha - \frac{\alpha^2(\alpha - \beta)}{\beta}$ مر و هرگاه معادله مذکور را بر $\alpha - \beta$

قسمت کردیم $\alpha^2 = \frac{\alpha^2}{\alpha - \beta}$ ماند پس $\alpha^2 = \frac{\alpha^2}{\alpha - \beta}$ گردید و نیز چون حشر مسطح

المربعین مساوی مسطح الجذریین است گویا $\alpha^2 = \frac{\alpha^2}{\alpha - \beta}$ است و بهر کیف چون

مقدار α و β معلوم است پس مقدار α نیز معلوم شد و هو المطلوب *

قائده ازین معادله ظاهر است که مقدار α امی نصف القطر و مقدار β امی وتر

اعظم معلوم باشد پس مقدار α امی و ثمرات فوس نیز معلوم می‌شود که این می‌تواند ازین طریق

آن باشد که در این زمین گشته شود و حده $\alpha - \beta$ و α (شکل ۱۷۳)

سراسر در هر خط از هر دو زاویه و ثمره مثلث قائم‌الزاویه که حادثین اند در منصف

هر دو در باقی و ثابت است که صلبین موثرین زاویین مذکورین اند خارج شوند و مقدار

طول آن هر دو خط معلوم باشد پس مقدار هر سه اضلاع مثلث چه خواهد بود و جواب مثلث

مثلث $\alpha\beta\gamma$ باشد و زاویه β قائمه و خط $\alpha\gamma$ خارج از زاویه α بر صلب $\alpha\beta$

و منتهی بر نقطه γ و منصف $\alpha\beta$ باشد و همچنین خط $\alpha\beta$ خارج از زاویه α که

بر صلب $\alpha\beta$ و منتهی بر نقطه γ و منصف $\alpha\beta$ بود و هر دو معلوم باشند پس اگر خط $\alpha\gamma$ را

$$= \frac{3^2 + 4^2 + 5^2 + \dots + 100^2}{3} = \frac{3^2}{3} + \frac{4^2}{3} + \frac{5^2}{3} + \dots + \frac{100^2}{3} = \frac{3^2}{3} + \frac{4^2}{3} + \frac{5^2}{3} + \dots + \frac{100^2}{3}$$

$$= \frac{3^2}{3} + \frac{4^2}{3} + \frac{5^2}{3} + \dots + \frac{100^2}{3} = \frac{3^2}{3} + \frac{4^2}{3} + \frac{5^2}{3} + \dots + \frac{100^2}{3}$$
 و گویا در حقیقت $\frac{3464}{1000} \times 3 = 10392$ گردید. مثلاً اگر گوئیم که $9 = 3$ در بصورت مقدار

نصف قطر دایره صغیره $\frac{176}{1000}$ خواهد بود و هذه صورت (شکل ۱۷۳)
 سؤال چهارم اگر مقدار دو وتر و قوس که از یک دایره اند معلوم باشد و نسبت سن القوسین
 نسبت واحد الی ۳ بود پس مقدار نصف قطر آن دایره چه خواهد بود. جواب مثل دایره
 است که فرض کم که مرکز آن o و وترین معلومین ab و ac و قوسین ab و
 ac جزو کل باشند پس قوس bc را بنقطه k تنصیف سازم چرا که نسبت قوس
 ab بطرف ab مثل نسبت ۳) الی واحد است پس bc لا مجاله صعوبت ab
 باشد و هرگاه بر وتر a از نقطه k و از نقطه b دو عمود ka و kb می کشیم
 پس ka موازی و مساوی bc است یعنی ab خواهد بود و ka و kb
 هر دو متساویین خواهند بود بسبب مساوات ka و kb از مثلث kab می
 و ba) از مثلث ba و تساوی زاویه ka و زاویه kb می که هر دو قائمه اند و هرگاه
 از نقطه o که مرکز است دو خط oa و ob وصل کنیم و بر خط oa عمود ac براریم
 و $ab = 3$ و $ac = 2$ فرض کم که آن هر دو معلوم اند و bc را که مساوی ac و نصف
 قطر است هر فرض نمایم پس گوئیم که چون $(ka + kb) = ab$ است امی
 $2 - 3$ پس $ka = \frac{3-2}{2}$ گردید و چون بشکل (بی) من ثاله اصول ثابت است که
 زاویه مرکزیه صغیر زاویه محیطیه می باشد در صورت زاویه ao که مرکزیه است
 صغیر زاویه محیطیه که متارن آن ab باشد خواهد بود پس زاویه ba بلکه زاویه
 ba می که زاویه محیطیه و مقدار bc که صغیر ab است مساوی زاویه ba که

(۱۹۸۰) خزانه العلم باب ۹ مطلب ۱۸

و ک ب زا و فرض کنیم و ب ا را که نصف ا ب بحسب السؤال است مرفوض نمایم
 و چون (ک ب) اعنی $\frac{2}{3}$ = (ک ک) + (ب ب) چرا که مثلث ک ب ب
 قائم الزویه واقع شده و ب ب عبارت از مراست درین صورت (ک ب) = $\frac{2}{3}$ - مر
 شد و چون ب ب = $\frac{ب ک}{۳}$ است و مربع نصف عدد مساوی ربع مربع عدد است

درین صورت (ب ب) = $\frac{2}{3}$ - مر گردید و چون (ا ب) = (ب ب) + (ب ب) است
 بشکل مرسوم اعنی $\frac{۲}{۳}$ = مر + $\frac{2}{3}$ - مر و این معادله را هرگاه در چهار ضرب نمودم $\frac{۲}{۳}$ = مر + $\frac{۲}{۳}$ - مر

+ $\frac{2}{3}$ شد بلکه مر = $\frac{2 - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$ پس مر = $\frac{2 - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$ پس مر = $\frac{2 - \frac{۲}{۳}}{۱۵} \times ۲$

= $\frac{۲ - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$ پس مر = $\frac{۲ - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$ پس مر = $\frac{۲ - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$ پس مر = $\frac{۲ - \frac{۲}{۳}}{۱۵}$
 پس ضرورت ک ا هم معلوم خواهد شد و بطریق دیگر اگر خط ی ف موازی ک ب
 خارج کنیم هر آینه ب ا ف = $\frac{ب ا}{۳}$ = $\frac{ب ب}{۳}$ خواهد بود چرا که در مثلث ک ب ب
 نقطه ی منصف ک ب است پس جميع اضلاع مثلث ی ب ف مساوی نصف
 اضلاع مثلث ک ب ب خواهد بود و هر دو مثلث متشابهن اند درین صورت ی ف
 هم = $\frac{ک ب}{۲}$ اعنی $\frac{2}{3}$ معلوم بود و چون مر = (ا ب) + (ب ب) و (ی ف)

اعنی $\frac{2}{3}$ = (ب ب) + (ب ف) و (ب ف) = $\frac{(ا ب)}{۱۶}$ چرا که ب ف =
 $\frac{ا ب}{۳}$ درین صورت مر = $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{(ا ب)}{۱۶}$ و چون $\frac{(ا ب)}{۱۶}$ = $\frac{(ب ب)}{۳}$ پس مر =

$\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ بلکه مر چنانکه در طریق اول بود * مسائل اگر گویم که
 مر = $\frac{۱۵}{۱۶}$ و $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ پس $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ پس $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ پس $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$

= $\frac{۱۵}{۱۶}$ درین صورت $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ پس $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$ و $\frac{۱۵}{۱۶}$ = $\frac{۱۵}{۱۶}$

بطرف م ح است چرا که بموجب شکل ب مقاله سادس اصول در مثلث ح ب با خط م ف
 صلح م م م و م ح را علی نسبت واحده منقسم ساخته است و چون خط ب ا بسبب
 عمود ح م منقسم بدو قسم ب م و م ا گردیده پس $ك ب \times ا ب = ب م \times م ا$
 $+ ك م \times م ا$ است و چون مثلث ك ب ا و مثلث ح م ا مثلثین اند در دو صورت
 نسبت ك ب ب طرف ا ب مثل نسبت ح م م اضنی م ب طرف م ا است کل نظیره
 پس $ك ب \times م ا = ا ب \times ح م$ شد و ازین بیان $ا ب \times ح م = (ا ب + ك م) \times ح م$

$ا ب \times م ا = ب م \times ح م$ پس مقدار م ب = $\frac{ب م \times ا ب}{ا ب + ك م}$ شد اضنی م ب
 $\frac{ع \times ۳}{ع + ۳} =$ شد در این صورت م ف = $\frac{ع \times ۳}{ع + ۳} - م و$ چون بالا مذکور شد که مثلث ا م ک
 : ا ب ک اضنی م ب $\times \frac{ا ب + ك م}{۲}$:: م ف : م ب است

بالاربعة متناسبه م ب \times م ف = م ک $\times \frac{ا ب + ك م}{۲}$ شد و چون

این معادله را بر م ب قسمت نمودم ا م ک = م ف $\times \frac{ا ب + ك م}{۲}$ اضنی م ف =

$\frac{ع \times ۳}{۲} - \frac{ع \times ۳}{۲} \times م و$ تا که م ف = $\frac{ع \times ۳}{۲} \times م و$ پس هر دو طرح طرفی ازین بود

و صورته م م م و طریق دیگر اگر خط ا ب را از در $\frac{ا ب + ك م}{۲}$ تا م خارج نمودم

خط م ف و اضفی دائرة رسم کنیم لا محاله ن ک را از نقطه م تا م جویا می شود از م م م

ب م ف خط ط و وصل کنیم پس گوئیم که خط م ف منقسم بدو قسم است بحیثیت م م م منقسم

حد التسمین اضنی م م ف بلکه $\frac{ا ب + ك م}{۲}$ م ف که حد آخر است = م م م

قسم آخر است در دو صورت مسئله عدرا رجوع بسؤال م م م بود رجوع بسبب شکل م م م

مقاله ثالثه اصول ثابت است که اگر دو خط متقاطعین باشند مستقیمند که بین یک وتر عمودی
 مسطح فسمین و ترا آخر خواهد بود و چون در این شکل خط م م ف م م م است و ترا

(۱۷۸)

باب ۹ مطلب ۹۸

خزانة العلم

در بصورت معادله مذکور $م^۲ = ط^۲ + م^۲ + ط^۲ - ط^۲ \times م^۲$ بلکه $م^۲ - ط^۲ + م^۲ +$

$$ط^۲ = م^۲ + ط^۲ + م^۲ \text{ و این را بر } م^۲ - ط^۲ \text{ قسمت نمودیم} \quad م^۲ = \frac{ط^۲ + م^۲}{م^۲ - ط^۲} + م^۲$$

و چون مقدار $ط$ و $م$ معلوم است پس در حقیقت گویا مال و شیء مقابل عدد شد پس $م^۲ +$

$$م^۲ = \frac{ط^۲ + م^۲}{م^۲ - ط^۲} + م^۲ \quad \text{پس} \quad م^۲ = \frac{ط^۲ + م^۲ + ط^۲ + م^۲}{م^۲ - ط^۲} = \frac{ط^۲ + م^۲}{م^۲ - ط^۲} + م^۲$$

و هرگاه منقسم علیه تحت علامت جذر را اعنی $ط - م$ را از یک مخرج مشترک گرفتیم اعنی

$$(ط - م) \text{ پس ضرورت } \frac{ط^۲ + م^۲}{ط - م} \text{ را در } م^۲ - ط^۲ \text{ ضرب ساختیم تا قسمت مساوی آید پس}$$

$$= م^۲ + \frac{ط^۳ - ط^۲ + م^۳ - م^۲ + ط^۲ - م^۲ + ط^۲ + م^۲}{ط - م} = \frac{ط^۳}{ط - م} + م^۲$$

و هرگاه جذر تحت علامت را منقسم بمضروبین ساختیم اعنی احد

$$\text{المضروبین } (ط - م) \text{ در بصورت } م^۲ = \frac{ط^۳}{ط - م} + م^۲ \quad \text{باک } م^۲ =$$

$$\frac{ط^۳ + م^۳ - ط^۳ - م^۳}{ط - م} \quad * \text{ مثلا اگر در مثلث } ا ب ک \text{ صلح } ا ب = ۱۲ \text{ و صلح } ب ک = ۹$$

و خط $ا م$ موازی قاعده اعنی $م = ۸$ پس ضرورت خط $ا م$ اعنی $م = ۶$ خواهد بودو خط $ب م$ اعنی $ط = ۳$ چون $ط^۲ + م^۲ = ۹۱$ تقریبا پس $\frac{۹}{۹} \times ۹ = ۹$

$$= \frac{۱۸ \times ۹}{۹} = ۱۷۲ \text{ و } ۱۷۲ = ۱۷۲ - ۱۷۲ = ۷۲ - ۱۰۰ = ۱۰۰ - (ط - م) \text{ بلکه } ۱۰۰ -$$

$$۲۷ = \frac{۱۹}{۱۷} = م = ی = ح = ح ف \text{ و نیز باید دانست اگر نه موجب معادله سابق که } م^۲ +$$

$$\text{شده بود در بصورت بحسب فرض الاعداد } م^۲ + ط^۲ = م^۲ + م^۲ = ۳۶$$

$$\text{مد پس بموجب مسئله اولای مقترنات } \left(\frac{۸}{۳}\right) = \frac{۱۰۰}{۳} + \frac{۶۴}{۹} = \frac{۱۰۰}{۳} + \frac{۳۶۴}{۹}$$

$$\left[\frac{۳۶۴}{۹} - \frac{۱۸}{۲۷} = ۲ \frac{۱۸}{۲۷} = ۱ \frac{۱۰}{۲۷} \text{ بلکه } ۲ \frac{۱۸}{۲۷} = ۳ \frac{۱۹}{۲۷} = م \text{ فایدهم هذه صورت (شکل ۱۷۸)}$$

است بسبب التثاقلی المکرر بسوحد شکل (م) من وابعد اصول وجون مجموع
 زاوینین **ب ا ک و ب ک** معادل یک قائمه بود پس مجموع زاوینین **ا ک و ب ک** ا
 معادل نصف قائمه شد و هرگاه خط **م ک** را خارج نموده از زاویه **ا** بران عمود **ا ه** بکشیم
 درینصورت زاویه **ا م ه** معادل مجموع زاوینین **ا ک و ب ک** اعنی نصف قائمه بود
 بشکل (لب) من اولای اصول درینصورت چون زاویه **ا ه م** قائمه است و **ا م ه** نصف قائمه
 پس **ا ه** نیز نصف قائمه گردید و صلح **ا ه و م ه** متساوی شدند شکل (و) من اولای

اصول وجون (م ه) = $\frac{1}{2} \frac{1}{m}$ اعنی $\frac{1}{2m}$ است پس **م ه** = $\frac{1}{2m}$ گردید و هرگاه **ا ب** و **ب ک** و **ک ا**
 شکل (یب) من مثالیة ثانیة اصول ثابت است که در مثلث منسرج الزاویه مربعین صلحین و
 ضعف سطح احد الضلعین فی مقدار ما وقع بین مربع العمود الخارج طیه مساوی مربع
 وتر میشود درینصورت (**ک م**) اعنی $\frac{1}{2}$ و (**ا م**) اعنی $\frac{1}{2}$ + $\frac{1}{2}$ **ک م** + $\frac{1}{2}$ **ا م** اعنی $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$

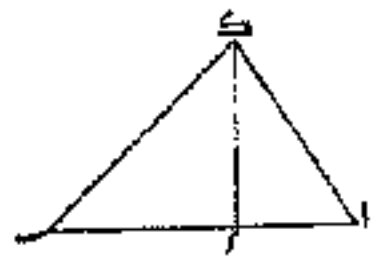
= (**ا ک**) اعنی $\frac{1}{2}$ است درینصورت $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ و چون $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ عدوت
 است از **م ه**] ا چرا که هرگاه مجدور و بر حد و قسمت **م ه** در خارج **م ه** حد همیشه
 درینصورت گویا معادله مذکور درینصورت است $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ و چون $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} =$
م ه است و $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ **م ه** = **م ه** درینصورت معادله
 مذکور درینصورت گردید $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ **م ه** = $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ اعنی **م ه** =
 $(\frac{1}{2} + \frac{1}{2}) \times \frac{1}{2} - \frac{1}{2} \times (\frac{1}{2} + \frac{1}{2}) = \frac{1}{2} \times \frac{1}{2} - \frac{1}{2} \times (\frac{1}{2} + \frac{1}{2})$ و در **م ه** $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$
 در ($\frac{1}{2} + \frac{1}{2}$) قسمت کدم خارج **م ه** = $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$ گردید و چون $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$

معلوم است و حینت بعد از آنکه مثلث متقدرات بود پس $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$

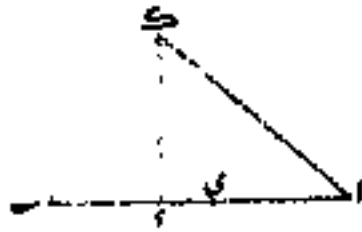
هرگاه مقدار **م ه** برابر اولیة **م ه** و **م ه** معلوم گردید و درینصورت $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$
 الزامه نیز معلوم شود ازحارج عمود از نقطه **م** حتماً **ک ک** در **م ه** است و $\frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2} = \frac{1}{2} + \frac{1}{2} + \frac{1}{2}$

وصل کنیم در این صورت مثلث $ک ب ا$ منقسم بسه مثلث خراهد شد یکی مثلث $ک ب د$ دوم مثلث $ب ا د$ سوم مثلث $ک ا د$ و چون خط $د$ و $د$ که مساوی ضلع مربع است در مثلث $ب ا د$ و مثلث $ب ا د$ عمود واقع شده اند در این صورت مساحت مثلث $ب ا د = د ب د + د ا د = د \times \frac{ب ا}{۲}$ یعنی مربع $د$ و مساحت مثلث $ب ا د = د ب د + د ا د = د \times \frac{ب ا}{۲}$ است و مجموع مساحت هر سه مثلثات مساوی مساحت مثلث $ک ب ا$ اعنی $\frac{ع \times ح}{۲}$ پس معادله مذکور بدین صورت شد $د \times \frac{ب ا}{۲} = \frac{ع \times ح}{۲}$ و رجوع بعینه بمعادل بطریق اول گردید و صورتی که ما مراد و بطریق دیگر اگر خط $د$ را خارج کنیم و بنقطه $ح$ بر خط $ک ا$ منتهی سازیم و از نقطه $ح$ عمود $ح د$ بر خط $ب ا$ و عمود $ح ل$ بر خط $ک ب$ خارج نمایم در این صورت $ح د$ و $د ب$ و $ح ل$ و $ب ل$ مساوی خواهند بود چرا که اضلاع مربع $ح د ب ل$ اند پس می گوئیم که بخط $ب د$ مثلث $ک ب ا$ منقسم بدو مثلث گردیده یکی مثلث $ک ب د$ دوم مثلث $ب ا د$ و همچنین بخط $د$ مثلث $ک ب ا$ منقسم بدو مثلث شد یکی $ک ب د$ دوم مثلث $ب ا د$ و چون مثلث $ک ب د$ و $ک د ب$ مساوی الارتفاع اند چرا که هرگاه ضلع $ب د$ را در مثلث $ک ب د$ و ضلع $د ب$ را در مثلث $ک د ب$ قاعده فرض کرده از زاویه $ک$ عمود خارج کنیم عمود هر دو مثلث واحد و مطبق خواهند بود و همچنین از مثلث $ب ا د$ و $ا د ب$ اگر $ب د$ و $د ب$ را قاعده فرض کرده از زاویه $ا$ عمود خارج کنند مساوی الارتفاع خواهند بود در بصورت نسبت مثلث $ک ب د$ ب $ک د ب$ ب $ب ا د$ و نیز نسبت مثلث $ب ا د$ ب $ا د ب$ ب $ب ا د$ مثلث $ک ب د$ مثل $ا د ب$ است $ب د$ ب $د ب$ ب $ب ا$ که قاعده اند خواهند بود بشکل اول مقاله سادس اصول پس نسبت مجموع مثلث $ب ا د$ و $ا د ب$ و $ک ب د$ اعنی مثلث $ک ب ا$ ب $ب ا د$ و $ا د ب$ و $ک د ب$ اعنی $ب ا د$ و $ا د ب$ و $ک ب د$ است و چون مثلث $ح د ب$ و $ح د ب$ متشابهین اند و نسبت $ح د$ ب $ب د$ ب $ب ل$ نیز مثل نسبت $ب د$ ب $د ب$ ب $ب ا$

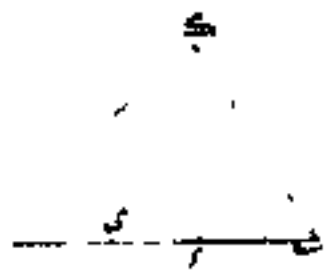
شکل ۱۷۸ صفحه ۲۰۳



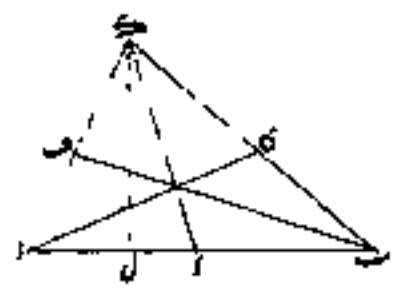
شکل ۱۷۹ صفحه ۲۰۳



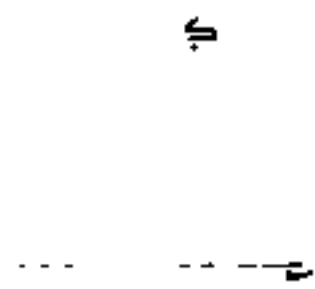
شکل ۱۸۰ صفحه ۲۰۴



شکل ۱۸۱ صفحه ۲۰۵



شکل ۱۸۲ صفحه ۲۰۶



شکل ۱۸۳ صفحه ۲۰۶



شکل ۱۸۴ صفحه ۲۰۸



شکل ۱۸۵ صفحه ۲۰۸



شکل ۱۸۶ صفحه ۲۰۸



(۱۸)

خزانه العلم

باب ۹ مطلب ۱۸

که فیله قطر از بر نقطه Γ تقاطع نبوده پس $\Gamma \text{ ف} \times \text{ب} = \text{ب} \text{ ف} = (\text{ب} \text{ ف})$ است و در مثلث
 $\text{ب} \text{ ف} \text{ ط}$ که قائم الزاویه است یک ضلع $\text{ب} \text{ ف}$ و ضلع دوم $\frac{\text{ب} \text{ ف}}{۲}$ اضنی $\text{ب} \text{ ط}$ واقع شده
 پس $(\text{ب} \text{ ط}) = (\text{ب} \text{ ف}) + (\frac{\text{ب} \text{ ف}}{۲})$ شد و چون بموجب سؤال سابق ظاهر است که خط $\text{ط} \text{ و}$
 $\frac{\text{ب} \text{ ف}}{۲} =$ است و چون مقدار $\text{ط} \text{ و}$ معلوم شد پس مقدار $\text{ب} \text{ ف}$ اضنی مرهم که ضلع
 مربع است معلوم شود چرا که $(\text{ب} \text{ ف}) = \text{ب} \text{ ف} \times \text{ب} \text{ ف} = \frac{\text{ا} \text{ ب} \times \text{ب} \text{ ک}}{۲} = \frac{\text{ع} \times \text{ح}}{۲}$
 است و $(\frac{\text{ب} \text{ ف}}{۲}) = (\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲})$ درین صورت $\text{ط} \text{ و} = \left[\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲} + \frac{\text{ع} \times \text{ح}}{۲} \right]$ شد و هرگاه
 ازان $\frac{\text{ب} \text{ ف}}{۲}$ سابق کردم باقی مقدار $\text{ب} \text{ ف}$ اضنی مرماند پس مر $\left[\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲} + \frac{\text{ع} \times \text{ح}}{۲} \right]$
 $\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲}$ ماند و این بعینه صورت طریق اول است و صورتی که ما مر $\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲}$ اگرم گوییم ضلع
 مثلث قائم الزاویه $\text{ا} \text{ ب} = ۱۲ = \text{ع}$ و $\text{ب} \text{ ک} = ۱۶ = \text{ح}$ است درین صورت بهمین طریق
 چون $\frac{\text{ع} \times \text{ح}}{۲} = ۹۶$ و $(\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲}) = ۴۹$ و حذر مجموع اضنی $\left[\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲} + \frac{\text{ع} \times \text{ح}}{۲} \right] = ۱۴۵ =$
 $\frac{۱}{۲۵} (۱۲ \frac{۱}{۲۵})$ است و چون $\frac{\text{ع} + \text{ح}}{۲} = ۷$ بود هرگاه انرا سابق کردم پس مر $\frac{۱}{۲۵} =$ مانده
 سؤال هجدهم اگر وتر مثلث قائم الزاویه معلوم باشد و نیز قدر تقاضل بین خطین که از هر دو
 زاویه وتریه خارج شده بر مرکز دایره داخل مثلث مذکور ملاقفی شده اند معلوم بود پس
 مقدار صلعبین مثلث مذکور چه خواهد بود ؟ جواب اگر مثلث قائم الزاویه $\text{ا} \text{ ب} \text{ ک}$ و زاویه
 ب قائمه بود و وتر $\text{ا} \text{ ک}$ معلوم است و مرکز دایره داخل مثلث ع باشد و خطین خارجین
 عن الزاویثن الترتیبین $\text{ا} \text{ ع}$ و $\text{ع} \text{ ک}$ و خط $\text{ا} \text{ ع}$ اطول از $\text{ع} \text{ ک}$ باشد بقدر تقاضل معلوم بحسب
 سؤال و درین صورت $\text{ا} \text{ ک}$ وتر مثلث قائم الزاویه را که معلوم است ح و خط $\text{ا} \text{ ع}$ را مر
 ع را قه و قدر تقاضل را که مر ق است مر فرض نمایم پس گوئیم که چون مثلث $\text{ا} \text{ ب} \text{ ک}$
 منفرج الزاویه است چرا که خط $\text{ا} \text{ ع}$ منصفی زاویه $\text{ب} \text{ ا} \text{ ک}$ و خط $\text{ع} \text{ ک}$ منصفی زاویه $\text{ب} \text{ ک} \text{ ا}$

فافهم هذه صورته (شکل ۱۷۸)

سؤال بیستم اگر قاعده و عمود مثلث و تفاضل ضلعین معلوم باشند پس می خواهیم که ضلعین را بداند
هـ جواب مثلث **ا ک ب** فرض کردیم و عمود **ک** پس نصف قاعده **ا ب** را **ا ک** می گویند

است **ح** و **ک** را **م** و **ا ک** را **ب** یعنی تفاضل ضلعین را **ا ک** چون معلوم است
 $= ع و م$ یعنی فصل قسم اعظم من القاعده علی نصف القاعده را **م** و **ب** را **م** و **ب** را **م** و **ب** را **م**

پس **ا** یعنی قسم اعظم من القاعده $= م + م و ب$ یعنی قسم اعظم من القاعده $=$
 $م$ مرشد و چون مثلث بسبب عمود منقسم بدو مثلث قائم الزاویه شد است که بر اثر این دو

مثلث اعظم اند در بصورت $س^۲ + (م + م)^۲ = (ا ک)^۲$ یا $س^۲ + ۴م^۲ = (ا ک)^۲$
و همچنین ضلع **ب ک** $= [س^۲ + (م - م)^۲]$ و با ضرورت $[س^۲ + (م - م)^۲] = ع^۲$

$[س^۲ + (م + م)^۲]$ گردید و هرگاه این معادله را تریخ نمودیم $س^۲ + ۴م^۲ = (ا ک)^۲$
 $[س^۲ + (م + م)^۲] + ع^۲ = س^۲ + (م - م)^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$

$+ ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ - ۴م^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$
بلکه $۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$

بلکه $۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$
 $۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$

$۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$
 $۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$

$۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$
 $۴م^۲ + ع^۲ = س^۲ + ۴م^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲ + ع^۲$

و هذه صورته
سؤال بیست و یکم قاعده و عمود مثلث و مستطیل معلوم است می خواهیم که ضلعین را بداند

مقدار ضلعین بداند جواب دره است $س^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲$ و $س^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲$
 $= م$ و مستطیل ضلعین را $= س^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲$ و $س^۲ + ع^۲ = (ا ک)^۲$

$۲ = (ت ف) + (ا ب) \text{ بلکه } ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و اگر
 $۲ = (ت ف) + (ا ب) \text{ بلکه } ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 ک را قاعده فرض سازیم پس $(ا ب) + (ا ک) = (ا ب) + (ا ب) = ۲$ و $(ب ی) + (ا ب) = ۲$
 $۲ + ۲ = ۲ + ۲$ بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و در نگاه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 نمودیم $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و همچنین $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و چون این عدد در جمع
 نمودیم $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و از آن ما نتیجه کردیم
 $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 $۲ + ۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و همچنین $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$

و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و اینها صورتها (شکل ۱۱۱)
 سؤال بیست و سوم اصلاح مثلث اگر معلوم باشد می خواهیم که عددی و نسبت بین قاعده
 که نسبت کشیدن عمود حادث می شود و مساحت مثلث بدان سه حروف در عبارت
 $ا ب ک$ صلح $ا ب ک = ۲$ و صلح $ا ب = ۲$ و صلح $ب ک = ۲$ و در این صورت
 و $ا ب$ را قاعده و $ا$ و $ب$ نسبی از قاعده را ۲ می بینیم و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 قسم آخر از قاعده شد و چون $(ک) + (ک) = ۲$ و $(ک) + (ک) = ۲$ و $(ک) + (ک) = ۲$
 $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$
 بلکه $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$ و چون $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$
 $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$
 $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$ و $(ک) = (ک) - (ک) = ۲$
 فی نصف القاعده که مساحت مثلث است $۲ = ۲ + ۲ = ۲ + ۲$

باب ۹ مطلب ۱۸ خزانه العلم (۹۰۷)

ا ب ا م ی (۳ + ۲) : ا ح ا ع ن ی $\frac{۳+۲}{۲+۲}$ است بحسب اربعه

متناسبه و همچنین ب ط ا ع ن ی $\frac{۲+۲}{۲+۲}$: ب م ا م ی ۳ :: ا ب ا ع ن ی

(۳ + ۲) : ب ح ا ع ن ی $\frac{۳+۲}{۲+۲}$ است و ازین سبب ب ح - ب ط

$$\text{اعنی ط ح} = \frac{۳+۲}{۲+۲} - \frac{۲+۲}{۲+۲} = \frac{۳-۲}{۲+۲} = \frac{۱}{۴}$$

و چون $\frac{۳-۲}{۲+۲} = \frac{۳+۲}{۲+۲} : \frac{۲-۲}{۲+۲}$

ا ح : ط ح :: ک ف : ط ف است بسبب تشابه مثلثین بلکه $\frac{۳+۲}{۲+۲} : \frac{۲-۲}{۲+۲}$

:: م است بحسب مساوات ط ف با ط م بلکه (۳ + ۲ م) : (۲ - ۲ م)

:: م است و ازین سبب $۳ م + ۲ م = ۲ م - ۲ م$ م را بحسب سطح الطرفین والوسطین

$$\text{بلکه} (۳ + ۲ م) \times ۲ = ۲ م - ۲ م = ۰ \text{ بلکه م} = \frac{۰}{۳ \times ۲ + ۲} = \frac{۰}{۸} = ۰$$

نظر دائره مرسومه و هذه صورته (شکل ۱۲)

فائده چون مساحت مثلث مساوی حاصل ضرب نصف قطر دائره در نصف مجموع

اضلاع می شود و ظاهراً است که نصف مجموع اضلاع مساوی ا ب - ب م -

ک ف اعنی (۳ + ۲ م) است در بنصیرت مساحت مست = (۳ - ۲ م)

$$\frac{۳+۲ م}{۳+۲ م} = \frac{۳-۲ م}{۳+۲ م} \times (۳ + ۲ م) \text{ و همین منفرجه است فائده کما - مساحت مثلث}$$

مذکور گردیده که تفصلات نصف مجموع اضلاع خطی کل را حدین از اضلاع را شده صورت

کرده حاصل را در نصف اضلاع ضرب سازد که حاصل ضرب مساحت مست است

چرا که تفصلات مذکور مساوی ۳ و ۲ م می شود فائده کما - مست و حده

نصف قطر دائره و مقدار خطین مساویین با حد طرفی القوسین من - دائره معلوم است

و می خواهیم که مقدار خط مساویین با حد طرفی مجموع القوسین را - همچنین کما - مست

آخر خط مذکور خطی نامرکز خارج کم ملائی طرف آخره ج و ح - و پس شود ح - ح

قوسین مفروضین مثلاً ا ب و ب ک و خطین مساویین ا م و م ک می معلوم است

فرض نمایم درین صورت $(ا ک) = (م + م) + (ک) = (م + م) + (ب ک)$ و $(ب ک) = (م - م) + (ک)$ بلکه

$ا ک = (م + م) + (ب ک) = (م + م) + (م - م) + (ک)$ بلکه $(م + م) + (م - م) + (ک)$

$= ط$ بحسب السؤال بلکه $(م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بحسب الترتیب بلکه

$م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$

$+ م = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$

$+ (م - م) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$

$- م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$

$- م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$ بلکه $م + م + (م + م) + (م - م) + (ک) = ط$

سؤال بیست و دوم در مثلث $ا ب ک$ مقدار خطوط خارجه از زاویه $ا$ اصلاص $ا ب$ و $ا ک$

اصلاص $ا ب$ و $ا ک$ معارم است پس مقدار هر یک اصلاص چه باشد جواب $ا ب = ط$ و

$ا ک = م$ فرض کردم و صام $ا ب$ را $م$ و صام $ا ک$ را $م$ و صام $ا ب$ را $م$

را $م$ فرض نمودم و چون در اصول ثابت است که مجموع مربعین مساوی صغری

مجموع مربع نصف القاعدة و مربع حظ و اصل بین رأس المثلث و منصف القاعدة می باشد

چرا که هرگاه $ا ب$ را قاعده فرض کنیم پس خط $ک م$ اگر عمود باشد ظاهر است که

$ب م = ا م$ و $(ا ک) = (ک م) + (ا م)$ است و همچنین $(ب ک) = (ک م) + (ب م)$

$(ب م)$ است و اگر خط $ک م$ عمود نباشد پس لامحاله مثلثین حاد بین یکی منفرج

الزاویه و یکی حاد الزاویه خواهد بود و هرگاه از زاویه $ک$ عمود $ک ل$ بر قاعده هر دو

مساحت کشیده شود پس $(ا ک) = (ک ل) + (ا ل) = (ک ل) + (ا ل) = (ک ل) + (ا ل)$

با به الاصول و $(ب ک) = (ک ل) + (ب ل) = (ک ل) + (ب ل) = (ک ل) + (ب ل)$ من

دایه الاصول پس بحسب مساوات $م$ و $ا م$ و مساوات قدر واقع بین الزاویه و موقع العمود

$(ا ک) + (ب ک) = (ک ل) + (ا ل) + (ک ل) + (ب ل) = (ک ل) + (ا ل) + (ک ل) + (ب ل)$

$ا ل + ب ل = م$ و همچنین اگر $ا ک$ را قاعده فرض نمایم پس $(ب ک) + (ا ب)$

تساوی دوزاویه ا و ح و دوزاویه ح و ط و ا ه ی و همچنین مثلث ا ط ح و ا ه ی ه
 متشابهین اند بسبب تساوی زاویه ح ط ه و ا ه ی و زاویه ا ح ی و ط ح ی
 و همچنین مثلثین ا ط ر و ا ه ی متشابهین اند پس ا ط : ا ه :: ا ی : ا ه
 است و بر ط ه یعنی ا ط - ا ه : ا ه : ا ی :: ط ح : ح ی بنگاه ط ب یعنی

$$ا ط : ب ف ا ه :: ا ط : ا ه :: ا ی : ا ه$$

ط ح ی و ط ب ف و چون ا ط × ا ه = ا ه × ا ی بحسب اریتمه مشابهه اولی پس

$$\frac{ا ط \times ا ه}{ا ط - ا ه} = \frac{ا ط \times ا ی}{ا ط - ا ه}$$

$$ب س ب ف = \frac{ا^2 \times ح + ح^2}{ا^2 - ح^2}$$

فائده اگر خطین مماسین قوسین ا ک و ا ب بسو حسب شکل تشریح اول یعنی خطین
 ا و ا ک معلوم باشد و نخواهیم که خط مماس قوس قیاس که مماس است یعنی خط
 ک ی بدانیم پس بحسب اریتمه مشابهه که در طریق اول مسطور است نتیجه

$$\frac{ا - ح}{ا} :: ا : ح :: ا ی : ح ی$$

$$\frac{ا ط \times (ا ب - ا ر)}{ا ط - ا ر \times ا ف}$$

قوسین ا و ا ک در اندازه معلوم نظر معلوم است زیرا نسبت خطین مماسین قوسین
 مثل ا ب و ا ک معلوم است و میخوانیم که مقدار ا ر در دو خط و مقدار ا ب در دو خط
 بدانیم ح را ب نصف نظر ا صی ا ط را که معلوم است و نسبت ا ب ا ی را که معلوم
 است ح ا ی را و نسبت ا ی ا ی را که معلوم است و این سه معلوم کنیم
 و مقدار ا ب را و ا ک را و فرض بدویم پس مثلث ا ط ب ا ر و مثلث ا ر ب ا ی
 ظ ر ح مشاهده اند ازین صوب (ط ب ا) مثلث (ا ب ا ر) یعنی هر دو

وهذه صورتة (شکل ۱۸۲)

سؤال بیست و چهارم جمیع اضلاع مثلث ABC معلوم است و می خواهیم که مندار
 نصفی قطر دایره مرسومه فی المثلث بدانیم، جواب مرکز دایره را P و نقطه مماس ضلع AB
 را E و نقطه مماس ضلع BC را F و نقطه مماس ضلع AC را G فرض نمودیم
 پس جمیع خطوط خارجه من المراكز الی نقطة التماس مثل PE و PF و PG
 متساوی خواهند بود و هرگاه بر خط PE که خارج از زاویه B است عمود AH بکشیم
 چون ظاهراً است که دو خط AE و AF متساوی اند بسبب تساوی دو مثلث AEP و
 AFP و همچنین $B = B$ و $BF = BF$ است و $B = B + E + K$
 $= B + F + K = B + K$ و اگر مقدار این معادله را از مجموع AK و AB
 ساقط کنیم باقی $AE + AF = AK + AB - B$ که باید بلکه $AE =$
 $AK + AB - B = AF$ و هرگاه این را اعنی AE را از AB ساقط کنیم باقی
 $B = AB + B - AK$ شود و اگر AF را از AK ساقط نمایم KF

$= AK + B - AB$ شود و چون مثلثین AH و KPF متشابهین اند
 چراکه مجموع زوایای E و PF و F و PH معادل چهار قائمه است
 و مجموع زوایای B و PA و PK معادل قائمتین و همچنین مجموع
 زوایای B و PA و AH معادل قائمتین بس زاویه $AH = زاویه$
 KPF است و زاویه AH و AF قائمه است پس لاجرم زاویه $F = KPF =$
 AH شد و مثلثین AH و KPF متشابهین شدند پس اگر مقدار AE را x و
 B را y و KF را z فرض کنیم چراکه آن همه بحسب بیان صدر معلوم شده اند
 و مقدار PE اعنی نصفی قطرها فرض کنیم r و چون مثلثین PEB و AH ح
 متشابهین اند و $(B) = (PE) + (E)$ است بلکه $(B) = (E) +$
 $x + y = B = [x + y] + z$ سبب $[x + y] = B - z$ اعنی $x =$

پس ضرورتاً مقدار $\widehat{فاح}$ نیز متعین خواهد شد و هذه صورتها (شکل ۱۸۶) $\widehat{هـ}$
 سوال بیست و هفتم صلح مربع و نصف قطر دایره که هر دو در مثلث قائم الزاویه مرسوم
 باشند معلوم است و میخواهم که مقدار اصلاح مثلث بدانم و جواب مثلث را $\widehat{ابک}$
 و مربع را $\widehat{بایءف}$ و نصف قطر دایره از مرکز $\widehat{ط}$ الی مداس $\widehat{طح}$ و $\widehat{طه}$ است
 و قطر مربع اضی $\widehat{بءه}$ را وصل نمودم و از نقطه $\widehat{ب}$ که زاویه قائمه است عمود $\widehat{بء}$
 بر وتر قائم کردم و صلح مربع را که معلوم است $\widehat{ح}$ و نصف قطر را که بر معلوم است $\widehat{هـ}$ تعبیر
 نمودم و مقدار $\widehat{اه}$ را $\widehat{هـ}$ فرض نمودم پس در مثلث $\widehat{طح}$ زاویه $\widehat{ح}$ قائمه است
 و زاویه $\widehat{ب}$ نصف قائمه پس زاویه $\widehat{ط}$ لا محاله نصف قائمه باشد و ازین سبب خطین $\widehat{بح}$
 و $\widehat{طح}$ متساوتین اند و نیز مثلثین $\widehat{باف}$ و $\widehat{طاف}$ متساوتین اند و تساوی زاویه بین
 $\widehat{ح}$ و $\widehat{ف}$ و اشتراک زاویه $\widehat{ب}$ و نیز خطین $\widehat{اف}$ و $\widehat{طاف}$ متساوتین اند و کجاست
 نمودن علی $\widehat{باف}$ پس $\widehat{فاح} : \widehat{باف} :: \widehat{طح} : \widehat{باف}$ است پس در
 مقاله سادس اصول و هر جمله آنرا اندال السببه کرده ترکیب السببه پس $\widehat{باف}$ اضی
 $\widehat{ح} : \widehat{فاح}$ اضی $\widehat{ح} - \widehat{هـ} :: \widehat{بء} : \widehat{طه}$ است تا که $\widehat{ح} - \widehat{هـ} : \widehat{ح} :: \widehat{طه} :$
 $\widehat{بء}$ است و چون خطین $\widehat{طه}$ و $\widehat{بء}$ متساوتین اند پس $\widehat{بءه}$ و $\widehat{طهء}$
 سبب تساوی زاویه $\widehat{هـ}$ و $\widehat{هـ}$ و اشتراک زاویه $\widehat{هـ}$ و $\widehat{هـ}$ پس $\widehat{بءه} : \widehat{طهء} :: \widehat{بءه} :$

$\widehat{هـ} : \widehat{بءه}$ است پس $\widehat{ح} - \widehat{هـ} : \widehat{هـ} :: \widehat{بءه} : \widehat{بءه}$ اضی $\widehat{بءه} : \widehat{بءه}$ است و چون $\widehat{هـ}$
 $+ (\widehat{بءه}) = (\widehat{بءه})$ است پس $(\widehat{هـ}) = (\widehat{بءه}) - (\widehat{بءه})$ و چون
 $(\widehat{بءه}) = (\widehat{هـ})$ است پس $(\widehat{هـ}) = (\widehat{هـ}) - (\widehat{هـ})$ خط $\widehat{هـ}$ و $\widehat{هـ}$ خط $\widehat{هـ}$

و چون مقدار $\widehat{ح}$ و $\widehat{هـ}$ معلوم است پس مقدار خط $\widehat{هـ}$ بر ضرورت معلوم شد و ازین
 احتیاط $\widehat{هـ}$ را که معلوم شد $\widehat{بءه}$ را که بر معلوم است $\widehat{بءه} : \widehat{بءه} :: \widehat{بءه} : \widehat{بءه}$
 اضی $\widehat{بءه} : \widehat{بءه}$ اضی $\widehat{ح} : \widehat{بءه}$ اضی $\widehat{ح} : \widehat{بءه}$ است پس
 $\widehat{ابک}$ و $\widehat{بءه}$ سبب تساوی زاویه $\widehat{هـ}$ و اشتراک زاویه $\widehat{هـ}$ و $\widehat{هـ}$ است پس

پس اگر ا را خارج کنیم بچشمبند که نصف قطر اعنی ط ک را بعد الاخراج ملاقی کند بر نقطه ف پس خط ا ف خط مماس مطلوبه خواهد بود درین صورت ا ط را که نصف قطر

معلوم است و ا را که نیز معلوم است ح و ک ی را که نیز معلوم است و فرض کنیم

و ا ف را که مجهول مطلوب است م و ط ف را و فرض نمایم و از نقطه م بر خط

ط ف عمود م ح بکشیم پس مثلین ط ا ف و ف ح م متشابهین شدند بسبب تساوی

زاویه ا و زاویه ح و اشتراک زاویه ف چرا که زاویه ا قائمه است کما ثبت فی الاصول

و ازین سبب $\text{ط ف اعنی ز} : \text{ا ف اعنی م} :: \text{م ف اعنی م ح} : \text{ف ح}$

اعنی $\frac{\text{م ح} - \text{م ز}}{\text{ز}}$ است و نیز $\text{ط ف اعنی ز} : \text{ا ط اعنی م} :: \text{م ف اعنی م ح}$ الی م ح

اعنی $\frac{\text{م ح} - \text{م ز}}{\text{ز}}$ است و ازین سبب $\text{ط ح} = \text{ط ف} - \text{ف ح} = \text{ز} -$

$\frac{\text{م ز} - \text{م ح}}{\text{ز}} = \frac{\text{م ح} - \text{م ز}}{\text{ز}}$ و چون $(\text{ط ف}) = (\text{ا ط}) + (\text{ا ف})$ اعنی $\text{ز} =$

$\text{م} + \text{م}$ است بالعروض پس $\text{ز} - \text{م} = \text{م}$ شد و لهذا $\frac{\text{ز} - \text{م}}{\text{ز}} = \frac{\text{م} + \text{م}}{\text{ز}}$

شد و چون $\text{ط ح اعنی ز} : \text{م ح اعنی م} :: \frac{\text{م ح} - \text{م ز}}{\text{ز}} : \text{ط ک اعنی م}$

$\text{ا ط اعنی م} : \text{ک ی اعنی م}$ است به سبب نشانه مثلین ط ح م و ط ک ی

فبالضرورة $\frac{\text{م} + \text{م}}{\text{ز}} = \frac{\text{م} - \text{م}}{\text{ز}}$ بلکه $\text{م} + \text{م} = \text{م} - \text{م}$

بلکه $\text{م} - \text{م} = \text{م} + \text{م}$ بلکه $(\text{م} - \text{م}) \times \text{م} = (\text{م} + \text{م}) \times \text{م}$ بلکه

$\text{م} = \text{م} \times \frac{\text{م} + \text{م}}{\text{م} - \text{م}}$ بلکه $\text{ا ف} = \frac{\text{م} + \text{م}}{\text{م} - \text{م}} \times (\text{ا ط}) \times (\text{ک ی})$

$(\text{ا ط}) - \text{ا ف} \times \text{ک ی}$

و هو المطلوب هده صورت..... (شکل ۱۸۴)

و بطریق دیگر اگر خطین معلومین ا و ا ی مماسین نقوسن ا ب و ا ک

عرض کنیم و ب ف مماس مجموع القوسین اعنی ب ک و ی ح عمود بر ط م

فاطعا لنصف ط ا نقطه م فرض نمایم چون مثلین ط ح م و م ی ا متشابهین اند بسبب

<p>شکل ۱۸۹ صفحه ۱۳</p>	<p>شکل ۱۸۸ صفحه ۶۱۲</p>	<p>شکل ۱۸۷ صفحه ۶۱۲</p>
------------------------	-------------------------	-------------------------

<p>شکل ۱۸۶ صفحه ۶۱۲</p>	<p>شکل ۱۹۱ صفحه ۶۱۵</p>	<p>شکل ۱۹۰ صفحه ۶۱۵</p>
-------------------------	-------------------------	-------------------------

<p>شکل ۱۹۲ صفحه ۶۱۵</p>	<p>شکل ۱۹۳ صفحه ۶۱۵</p>	<p>شکل ۱۹۴ صفحه ۶۱۵</p>
-------------------------	-------------------------	-------------------------

اصی م: (می) اعنی $\frac{م}{م+د}$ است و نیز (طک) اعنی (م+د): (اک) اعنی

د: (ظف) اعنی م بطرف (فاح) اعنی $\frac{م}{د}$ است ازین سبب بحسب السؤال

م: ل: (می) اعنی $\frac{م}{م+د}$: (فاح) اعنی $\frac{م}{د}$ است پس $\frac{م}{م+د} = \frac{م}{د} \times \frac{د}{م+د}$

بلکه $\frac{م}{م+د} \times د = (م+د) \times \frac{م}{م+د}$ بلکه $\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م \times (م+د)}{د}$

بلکه $\frac{م}{د} \times د = (م+د) \times \frac{م}{م+د}$ و نیز بحسب السؤال چون ح: د

: م: د اعنی $\frac{د}{ح}$ و هرگاه مقدار د را در معادله اولی تبدیل کرده شود

$\frac{م}{د} \times \frac{د}{ح} \times (م+د) = \frac{م}{د} \times (م+د) \times \frac{د}{ح}$ گردید بلکه $\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$

$\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$ بلکه $\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$

$\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$ بلکه $\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$

$\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$ بلکه $\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$

$\frac{م}{د} \times (م+د) = \frac{م}{ح} \times (م+د)$ خط مماس و چون مقدار م و د و ح

ول و ح معلوم است پس لامعالمه مقدار م معلوم خواهد شد و چون اب اعنی م:

اک: ح: د است و مقدار م و ح معلوم شد پس لامعالمه مقدار اک اعنی

خط مماس ثانی نیز معلوم خواهد شد بقاعده اربعه مناسبه و چون می اعنی حیب

اول $\frac{م}{م+د}$ بود و هرگاه مقدار م منعی شد ضرورتاً مقدار حیب اول نیز منعی خواهد شد

و فح اعنی مقدار حیب ثانی $\frac{م}{د}$ است هرگاه مقدار د اعنی اک منعی گردید

و \angle ک به سبب تساوی زاویین \angle و \angle و اشتراک زاویه \angle و نیز \angle اعنی \angle م

\angle : \angle ک اعنی \angle - \angle :: \angle : \angle است بشکل سوم من مقاله ماده اصول

و چون \angle : \angle ک :: \angle : \angle و است لثابه مثلین \angle ک و \angle ب پس \angle م

اعنی \angle : \angle ک اعنی \angle - \angle :: \angle : \angle م اعنی \angle : \angle م گردید

و ازین سبب \angle م + \angle ک = \angle م + \angle ک با ک \angle م + \angle ک = \angle م + \angle ک با ک \angle م + \angle ک

$$(\angle + \angle) م = \angle - \angle م = \frac{\angle - \angle}{\angle + \angle} م = \frac{\angle - \angle}{\angle + \angle} م \times \frac{\angle + \angle}{\angle + \angle} م \text{ و هرگاه مقدار م}$$

اعنی \angle معلوم شد و \angle م نیز معلوم شده بود لا محاله \angle ک و نیز زاویه قائمه است نیز

معلوم خواهد شد بشکل هروس و همچس مقدار \angle ک اعنی \angle - \angle معلوم شد بسبب

معلوم شدن مقدار \angle م پس حدیج اضلاع \angle ک نیز معلوم خواهد شد ضروری

و هذه صورتہ [شکل ۱۸۷]

سؤال بیست و هشتم نظر دائره معلوم است و می خواهم که مقدار اضلاع \angle ک و \angle م

فی الدائره را بدانم جواب مثلا اضلاع \angle ک و \angle م و \angle ک و \angle م و \angle ک و \angle م را

\angle ک مفروض نمودم و مرکز دائره را \angle و نصف قطر \angle و خط \angle کشیدم که نصف قطر

\angle و \angle را تقاطع علی نقطه \angle نمود پس ظاهر است که زاویین \angle و \angle و \angle متساویین اند

چرا که قوسین \angle و \angle که مقدار زاویین اند و نیز هر یکی اراں دو زاویه مساوی زاویه

\angle است چرا که زاویه مرکزی صغیر زاویه محیطه می باشد که ثابت فی الاصول و هرگاه

در مثل \angle و \angle زاویین \angle و \angle متساویین اند پس لا محاله ضلعین \angle و \angle نیز

متساوی خواهد شد و همچین اگر خط \angle وصل کنیم پس \angle را علی نقطه \angle

تقاطع خواهد نمود بشکل (ح) من ناله اصول و چون زاویین \angle و \angle و \angle و \angle

متساویین اند پس لا محاله ضلعین \angle و \angle نیز متساوی شدند و چون خط \angle در مثل

جمع نمودم بدینصورت

$$\begin{array}{r} ۲م - ۲و = ۲پ \\ ۲م + ۲و = ۲ع - ۲م + ۲م + ۲م \\ \hline ۲م + ۲و = ۲ع + ۲م + ۲م \end{array}$$

بلکه $۲ع + ۲م = ۲ع$ بلکه $م = \frac{۲ع + ۲م}{۲ع}$ و درگاه مقدار هر معلوم شد چون $م - و = ۲$

$۲م - ۲و = ۲ع$ بلکه $و = [۲م - ۲ع]$ و در صورتی که ... (شکل ۱۰۰)

سوال سی و یکم مجموع هاتین مثلث قائم الزاویه حواد مقدار افعال بنده معلوم است و همچنین مجموع حدود و وتر حواد افعال بنده معلوم است و می خواهد که مقدار

هر یک اصلاع بدانم بحراب در مثلث **ا ک ب** زاویه **ک** قائم است پس معلوم

ا ک و ن ک = م و ا ک - ب ک یعنی $ن ک = م - ب$ و همچنین **ا ب + ک و ا ب** مجموع وتر و حدود $= ب - ا - ک$ و ا ب یعنی $ن ک = ب - ا - م$

فرص کردم پس صلح **ا ک = \frac{۲ + م}{۲} و صلح **ب ک = \frac{۲ - م}{۲} و ا ب یعنی $ن ک =$****

$\frac{۲ + م}{۲}$ و $ک و ا ب$ صورت $= \frac{۲ - م}{۲}$ گردید و چون $ا ب = م - ب$ و $ن ک = ب - ا - م$

است بحسب اعروس و نیز **ا ب + ک و ا ب** $ک و ا ب$ یعنی $م - ب - ب - ا - م = ۲ - م$

ب ک و ا ب $(ا ب + ا ب) = (\frac{۲ + م}{۲}) = ا ب + ک$ و $ا ب + ک = \frac{۲ - م}{۲}$

$(\frac{۲ - م}{۲})$ بلکه $\frac{۲ + م}{۲} + \frac{۲ - م}{۲} = \frac{۲ + م + ۲ - م}{۲} = \frac{۴}{۲} = ۲$

$۲ + ۲ = ۲م + ۲ع$ گردید و همچنین **ا ب + ک و ا ب** $ا ب + ک = ۲$

ب ک = ک $= \frac{۲ + م}{۲} \times \frac{۲ - م}{۲}$ و $ا ب + ک = ۲$ پس $ا ب = ۲ - ک$ و $ا ب + ک = ۲$

این عدد و مقدار را بهم رسیدند پس می گویند که چون $ا ب + ک = ۲$ و $ا ب + ک = ۲$ است

$$= \frac{۳}{۹} + \frac{۳}{۳} + ۱ = \frac{۳}{۹} + \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} = ۳$$

$$\frac{۳}{۹} + \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۹} + \frac{۳}{۳} = ۱ + \frac{۳}{۳} = ۲$$

مقدار $\frac{۳}{۳}$ و هرگاه مقدار $\frac{۳}{۳}$ معلوم شد پس $\frac{۳}{۳}$ نیز بحسب سابق برابر و در صورت چهارم که مقدار $\frac{۳}{۳}$ و $\frac{۳}{۳}$ مجهول است چون $\frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} = ۲$ است بحسب این عدد

$$\frac{۳}{۳} + ۳ = \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} = ۳$$

$$= \left[\frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} \right] = ۲ \text{ بلکه } \left[\frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} + \frac{۳}{۳} \right] = ۳$$

براید فایدهم و هذه صورته (شکل ۱۵۱)

سؤال سی و دوم می خواهیم که از نقاط ثلثه که در خطی مستقیم واقع شود و مقدار آن نسبت به عدد باشد خطوط ثلثه مستقیمه اخرج کنیم بحیثیبتیکه آن هر سه خط در یک نقطه مدانی شوند و سمت ما بین الخطوط مثل اعداد ثلثه معلومه باشد علی التامه حجاب خط معین از خط اول $ا$ و نقطه معروفه $ب$ پس خط $ا$ که منقسمند و قسمش یکی $ا$ دوم $ب$ و $ک$ و نقطه ملتغای خطوط ثلثه $د$ پس یک مثلث $ا$ $ب$ $ک$ اعظم از خط $ا$ $ب$ منقسمه شده است گردید یکی $ا$ $ب$ $ک$ $د$ پس یک متدنه بدین سبب که در خطوط $ا$ $ب$ $ک$ $د$ از رأس آن طرف نقطه ارنامده خارج کرد؛ شود مجموع محسوسین خط $ا$ $ب$ $ک$ $د$ مربعی الصلعبین فی قسمی الساعده علی التامه ای مستطی مربع مربعی از قاعده که محاور صلعب دیگر باشد مساوی مجموع محسوس که از صورت محاوره قاعده فی نسبت حاصل شود و محسوس که از صورت قاعده فی مربع خط ثلثه حاصل گردید و صورت $ا$ $ب$ $ک$ $د$ و در هایش ایست که اگر خطین $ا$ $ب$ $ک$ $د$ در خطی مستقیم واقع گردند و از نقطه $د$ عبور می نماید $ا$ $ب$ $ک$ $د$ خارج خط $ا$ $ب$ $ک$ $د$ در یک خط قرار گیرد قائمه است $(ا$ $د) = (د$ $ب) + (ب$ $ک) + (ک$ $د) = (ا$ $ب) + (ب$ $ک) + (ک$ $د) = (ا$ $د)$

وهدء صورتہ (شکل ۱۸۸)

سؤال بیست و نهم اگر وتر زاویه قائمه از مثلث قائم الزاویه معلوم است و نیز مقدار نصف قطر
 دایره مرسومه فی المثلث معلوم باشد پس مقدار ضلعین مثلث چه باشد ؟ جواب مثلث را
 AB فرض کردم و زاویه B قائمه و مرکز دایره مرسومه را C و انصاف اقطار را AC
 و BC و OC فرض نمودم و خط AO و OC کشیدم و چون زوایای B و C و F و O و C
 قائم اند پس خطوط AB و AC و BC و OC متساوی اند و خطین AF و AO نیز
 متساوی اند بسبب تساوی دو مثلث AOB و AOC بسبب تساوی زاویه O و F که
 قائمه اند و نصف زاویه A بخط AO و اشتراک AO و همچنین CO و OC متساوی اند
 پس هرگاه نصف قطری $OC = AC = BC = AO$ را که معلوم است C فرض کردم و اگر که
 وتر معلوم است AB را AB و AC را AC و BC را BC فرض نمایم پس $CO = AO = BC = AC = AB$
 و $AO = AC = BC = AB$ گردید بلکه $AO = AC = BC = AB$ و $CO = AO = BC = AC = AB$
 $AO = AC = BC = AB$ شد و $AO = AC = BC = AB$ است بشکل عروس و هرگاه آنرا تضعیف نمودم $AO = AC = BC = AB$
 $AO = AC = BC = AB$ شد و این مربع معادله اولی اعمی $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ را ساط
 نمودم دانی $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ گردید و بحسب اتحاد بر $AO = AC = BC = AB$
 $AO = AC = BC = AB$ و هرگاه برین معادله $AO = AC = BC = AB$ افزودم پس $AO = AC = BC = AB$

$AO = AC = BC = AB$ و هرگاه بعضان نمودم $AO = AC = BC = AB$ و هر دو را نصف
 نمودم مقدار AO و BC و AC و AB بر آمد و هوالمطلوب و هدء صورتہ (شکل ۱۸۹)

سؤال سی ام مجموع اضلاع مثلث قائم الزاویه مع مساحت آن معلوم است پس می خواهیم
 که مقدار هر یک اضلاع بدانیم : جواب مثلث را ABC و مجموع اضلاع معلوم را E
 و مساحت معلوم اعمی $\frac{AB \times BC}{2}$ را S و نصف مجموع السابین را OC فرض
 نمائیم پس $AB = AC = BC = AO$ و $BC = AC = AB = AO$ و $AO = AC = BC = AB$
 $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$
 $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$ و $AO = AC = BC = AB$

باشد پس ضرورتاً $ا : ب :: ك : د$:: $ا : ب :: ك : د$ خواهد بود كما ثبوت فی الاصول
 و ازین سبب $ا \times ب = ب \times ا$ $ك \times د = د \times ك$ پس $(ا \times ب) \times د = ا \times (ب \times د)$
 $ا \times ب \times د = ا \times ب \times د$ و ایندا $(ا \times ب) \times د = ا \times (ب \times د)$
 $(ك \times د) \times ا = ا \times (ك \times د) = (ا \times ك) \times د = ا \times ك \times د$ و چون سبب
 معلوم شده كه $(ا \times ب) \times د = ا \times (ب \times د) + ك \times د$ پس $(ا \times ب) \times د = ا \times ك + ك \times د$
 $(ب \times د) \times ا$ است پس $ا \times ك + ك \times د = ا \times ك + ك \times د$ و این $(ب \times د) \times ا$ است
 و بحسب القسمة علی $ا$ كه بدینصورت شد $ا : ب :: ك : د$ و این $(ب \times د) \times ا$
 و هذه صورته

پس هرگاه $ا$ را كه معلوم است $ب$ و $ب$ را كه معلوم است $ا$ و $ا$ را كه معلوم است $ب$ و $ب$ را كه معلوم است $ا$
 معلوم است $ط$ و $ا$ را هر فرض كردیم و نسبت $ا$ طرف $ب$ و $ب$ طرف $ا$ و
 مثل نسبت $ل$ طرف $ز$ طرف $ر$ كه معلوم است برین مبنی اثبات می شود

$ب : ا :: د : ك$ است در بصورت $ز$ $ب = ا$ و $د = ك$ پس $ب : ا :: د : ك$ و چون

$ك = د$ گردید و چون بسبب $ب : ا :: د : ك$ و $ب : ا :: د : ك$ و $ب : ا :: د : ك$

$ا \times ب \times ك = ب \times ا \times ك + ك \times د$ پس $ا \times ب \times ك = ب \times ا \times ك + ك \times د$

$$+ ط \times \frac{د}{ب} = د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب} = د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب} = د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب}$$

$$= د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب} = د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب} = د \times \frac{د}{ب} + ا \times \frac{د}{ب}$$

سؤال سی و سوم اگر مقدار صاعین از صاعی معلوم باشد و مقدار حنط را نیز معلوم باشد
 و قاسم قاعده علی نسبت معلومه است نیز معلوم است یعنی خرد نمودن مقدار حنط را بر مقدار
 آن بدانیم : جواب در مثلث $ا : ب :: ك : د$ صاع $ا$ را $ب$ و حنط را $ك$ و صاع $ب$ را $د$ و حنط $ا$ را $ب$
 كه قاسم قاعده است هر فرض كردیم و $ا$ را كه معلوم است $ب$ را معلوم است $ا$ را
 این $ب$ را $ز$ ای $د$ فرض كردیم و این $ب$ را $ز$ ای $د$ فرض كردیم و این $ب$ را $ز$ ای $د$ فرض كردیم

(۶۱۶) خزانه العلم باب ۹ مطالب ۱۸

صورت اول مجموع الساقین اعنی \bar{c} و مجموع الوتر والعمود اعنی \bar{p} معلوم باشد
 وتفاضل بین الساقین اعنی \bar{c} وتفاضل بین الوتر والعمود اعنی \bar{p} مجهول بود وصورت
 دوم تفاضل بین الساقین اعنی \bar{c} وتفاضل بین الوتر والعمود اعنی \bar{p} معلوم بود ومجموع
 الساقین اعنی \bar{c} ومجموع الوتر والعمود اعنی \bar{p} مجهول باشد وصورت سوم مجموع
 الساقین اعنی \bar{c} وتفاضل بین الوتر والعمود اعنی \bar{p} معلوم باشد وتفاضل بین الساقین
 اعنی \bar{c} ومجموع الوتر والعمود اعنی \bar{p} مجهول بود وصورت چهارم تفاضل بین الساقین
 اعنی \bar{c} ومجموع الوتر والعمود اعنی \bar{p} معلوم باشد ومجموع الساقین اعنی \bar{c} وتفاضل
 بین الوتر والعمود اعنی \bar{p} مجهول بود پس در صورت اول که مقدار \bar{c} و \bar{p} مجهول
 است چون $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ و $\bar{a}^2 = \bar{c}^2 - \bar{p}^2$ شد و هرگاه این
 معادله را بر معادله $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ (هدا) $\bar{c}^2 + \bar{p}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2 + \bar{c}^2$ افزودیم $\bar{c}^2 + \bar{p}^2 = \bar{c}^2 + \bar{p}^2 + \bar{a}^2$
 $\bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$
 - $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$ شد چرا که \bar{p} اعنی مجموع الوتر والعمود اعظم از تفاضل ساقین است پس
 صرورة $\bar{c} - \bar{p}$ خواهد بود ولهدا $\bar{c} - \bar{p} = \bar{a}$ و چون \bar{p} و \bar{c} معلوم است
 پس \bar{a} نیز معلوم خواهد گردید و هرگاه \bar{p} معلوم شد پس صرورة $\bar{c} = \frac{\bar{p}^2 + \bar{a}^2 + \bar{c}^2}{2}$
 گردید بلکه $\bar{c} = \frac{\bar{p}^2 + \bar{a}^2 + \bar{c}^2}{2}$ شد و هرگاه مقدار \bar{c} نیز معلوم شد پس مقدار هر یک
 اصلاح متعین گردید و در صورت دوم که مقدار \bar{p} و \bar{c} مجهول است $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$
 $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ و از $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$
 بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$
 بلکه $\bar{c}^2 - \bar{p}^2 = \bar{a}^2$ $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$ $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$ $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$
 است پس $\bar{c} = \frac{\bar{p}^2 + \bar{a}^2 + \bar{c}^2}{2}$ بلکه $\bar{c} = \frac{\bar{p}^2 + \bar{a}^2 + \bar{c}^2}{2}$ $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$ $[\bar{c}^2 - \bar{p}^2] = \bar{a}^2$
 مقدار \bar{c} و \bar{p} مجهول است چون $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$ $\bar{c}^2 = \bar{p}^2 + \bar{a}^2$

ح وضع اب اعنی مجهول را مرفوض کردیم و بی حواء اء را به سبب مسلمات بیهد و

تعبیر نمودم چون بموجب بیان متقدمه سؤال می و دردم هرگاه کب را تا عدد بیس که پس

$$(ا ک) \times ب + (اب) \times ک = ک \times ب + ب \times ک + ک \times (ا ب) \times ک$$

$$\times ع + مر \times ط = ط \times ح + ح \times ز و همچنین اگر ضلع اک را تا عدد بیس نه ایم$$

$$\text{پس } (ک ب) \times ا ی + (ا ب) \times ک ی = ا ی \times ک ی + ا ک \times ا ب ک$$

$$(ب ی) \text{ بلکه } ح \times م + مر \times م = م \times م + م \times م و هرگاه معادله اونی مضروب$$

فی م را از معادله ثانی مضروب فی ح با فضا سوم ح م - ح م - ح م - ح م - ح م - ح م - ح م - ح م

$$= م م ح - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م$$

$$- ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م$$

$$= \frac{م م ح - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م - ط ع ح م}{ح م - ح م}$$

و هذه صورة مثل م م

سؤال می و پنجم اگر جمیع اضلاع شکل معین مثل اب کء م م م م م م م م م م

و ممکن است که دایره حواء شکل مذکور کشیده شود پس مجموع دایره نظر به دایره

حواب نظر اک را وصل کنیم و بر ضلع ب ک عمود ای و بیرون آن عمود

کف خارج کم وصل اب را م و ک را م و ک را م و ک را م و ک را م و ک را م و ک را م و ک را م

ع را و بی را م بر عرض نه ایم پس دایره ک عم ف = دایره ب حواء م م م م

چرا که در شکل ۲۱ من مقاله ثالثه اصول ثابت است که رویش مندرج هر دو دایره

اضلاع که در دایره واقع شود معادل قائمتین می باشد پس مجموع دایره ب و م

معادل قائمتین است و همچنین مجموع دایره ک عم ف و ک م م م م م م م م م م

قائمین است در شکل ۱۲ من اصول اولی و این سبب منسب اب ای و ک عم ف

مشابهین اند پس نسبت اب اعنی م طرف بی ای امی بر م م م م م م م م م م

اضی ط نظری ع ف امی م و چون مثل اب ک ح د در دایره است

و چون $(\text{اي}) = (\text{بي}) + (\text{اب}) + \text{اب} \times \text{بي}$ است ازین سبب (اے)
 $(\text{بے}) = (\text{ب}) + (\text{ا}) + \text{ا} \times \text{ب} = (\text{ب} + \text{ا} + \text{ا} \times \text{ب}) =$
 $(\text{ب} + \text{ا} + \text{ح} + \text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{ح} + \text{ا} \times \text{ب} \times \text{ح})$ و لهذا
 $(\text{اے}) - (\text{بے}) = \text{ا} \times \text{ب} \times \text{ح} + \text{ا} \times \text{ب} \times \text{ح} + \text{ا} \times \text{ب} \times \text{ح} =$
 $(\text{اے}) + (\text{کے}) + (\text{وے}) + \text{ا} \times \text{ک} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{و} \times \text{ک} = \text{ا} \times \text{ک} \times \text{و}$ است پس
 $(\text{کے}) = (\text{بے}) + (\text{وے}) + \text{ا} \times \text{ب} \times \text{ح} + \text{ا} \times \text{و} \times \text{ک} = (\text{اے}) + (\text{وے}) +$
 $(\text{بے}) + (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) + \text{ا} \times \text{و} \times \text{ک} = (\text{اے}) + (\text{وے}) +$
 $(\text{بے}) + (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) + \text{ا} \times \text{و} \times \text{ک} = (\text{اے}) + (\text{وے}) +$
 $(\text{بے}) + (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) + \text{ا} \times \text{و} \times \text{ک}$ است و ازین سبب $(\text{بے}) - (\text{اے}) =$
 $(\text{اے}) \times (\text{بے}) - (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) \times (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) +$
 $(\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) \times (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) = (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک}) \times (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{و} + \text{ا} \times \text{ک})$
 حین کب و اب و الصرورة $(\text{اے}) \times \text{ک} + (\text{اے}) \times \text{ب} = \text{ا} \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب}$ است نسبت نصیق
 $\text{ک} \times \text{ا} + \text{ا} \times \text{ک} = (\text{اے}) \times \text{ک} + (\text{اے}) \times \text{ب}$ و آنکه $(\text{اے}) \times \text{ک} + (\text{اے}) \times \text{ب} =$
 $(\text{اے}) \times (\text{ک} + \text{ب}) = (\text{اے}) \times (\text{ا} + \text{ب}) = (\text{اے}) \times \text{ا} + (\text{اے}) \times \text{ب}$
 خواهد بود چرا که $\text{ک} \times \text{ا} = (\text{اے}) \times \text{ک}$ و $\text{ا} \times \text{ب} = (\text{اے}) \times \text{ب}$
 شد و ازین سبب $(\text{اے}) \times (\text{ک} + \text{ب}) = \text{ا} \times (\text{ک} + \text{ب}) = (\text{اے}) \times \text{ا} +$
 گویند پس این معادله را بر $\text{ا} \times \text{ب}$ قسمت کردم الی انتهای الثانی اگر $\text{ا} \times \text{ب} = \text{ا} \times \text{ب}$ باشد
 پس $(\text{اے}) \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب} = \text{ا} \times \text{ب} + (\text{اے}) \times \text{ک} = (\text{اے}) \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب}$
 $\text{ا} \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب} = (\text{اے}) \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب}$ است و ازین سبب
 بلکه $(\text{اے}) - (\text{ا} \times \text{ب} + \text{ا} \times \text{ک}) + (\text{اے}) \times \text{ک} + \text{ا} \times \text{ب}$ اگر خط $\text{ا} \times \text{ب}$ مصف راویة ا

(۶۲۰) خزانه العلم باب ۹ مطلب ۱۸

$$\frac{p}{d} \text{ و } \frac{p}{d} = k + m = \frac{p}{d} \times \left(\frac{p+z}{d} \right) \text{ و چون بموجب بیان مقدمه سؤال سی و دوم}$$

$$(a) \times (b) + k \times (c) = a \times (b) + k \times (c) + k \times (c) + b \times c = a \times (b) + k \times (c) + b \times c$$

$$\text{پس } \frac{p}{d} \times \frac{p}{d} + \frac{p}{d} \times m = m \times \frac{p}{d} + \frac{p}{d} \times \frac{p}{d} + \frac{p}{d} \times m \times \frac{p+z}{d} + \frac{p}{d} \times m \times \frac{p+z}{d} \text{ بلکه}$$

$$\frac{p}{d} \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} = m \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} \times \frac{p+z}{d} + m \times \frac{p}{d} \times \frac{p+z}{d} \text{ بلکه } \frac{p}{d} \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} = (p+z)$$

$$\times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} = (p+z) \times \frac{p}{d} \text{ بلکه } \frac{p}{d} \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} = \frac{p \times (p+z) - p \times \frac{p}{d}}{p \times (p+z)} = m \text{ و ازین سبب } m =$$

$$\left[\frac{p \times \frac{p}{d} + m \times \frac{p}{d} - p \times \frac{p}{d}}{p \times (p+z)} \right] \text{ پس اگر خط } m \text{ منصف فاعده باشد درین صورت}$$

چون $d = p$ خواهد بود و چون بموجب استیانه اولی من مقدمه مذکور $(a) + (c) =$

$$= (b) + (c) \text{ است پس } \frac{p}{d} + m = \frac{p}{d} + m = 2 + m \text{ بلکه } m = \frac{p}{d} - \frac{p}{d} = m \text{ بلکه } m =$$

$$\left[\frac{p}{d} - \frac{p}{d} \right] \text{ و همچنین اگر خط } m \text{ منصف زاویه } d \text{ باشد نسبت } d \text{ الی } p \text{ اصی}$$

a الی b که مثل نسبت m الی p اصی a الی c خواهد بود و چون $a \times c =$

$$= a \times b + b \times c \text{ است بموجب استیانه ثالث مقدمه مذکور پس } m =$$

$$\frac{p}{d} + m \text{ بلکه } \frac{p}{d} + m = \frac{p}{d} + m = \frac{p}{d} - \frac{p}{d} = m \text{ و } (c) \text{ و } p \text{ تعبیر کم بسبب تساوی}$$

$$\text{نسبت } m \text{ الی } \frac{p}{d} = m \text{ بلکه } m = \left[\frac{p}{d} - \frac{p}{d} \right] \text{ خواهد بود و هذه صورت (شکل ۱۹۳)}$$

سؤال سی و چهارم اگر ضلعین متساوی معلوم باشد و خطین متساویین که از زاویین متقابلین

خارج شود تعیینیکه هر یکی از ضلعین معلومین را منقسم بدو قسم سازد و مقدار هر دو قسم

معلوم باشد پس میخواهم که مقدار ضلع مجهول بدانم و جواب در مثلث a b c

خطین متساویین b c و a و ضلعین معلومین a c و b است پس c c c

قسمی از ضلع a را m و a c قسم ثانی را m و ضلع a c اصی مجموع قسمین را

d و همچنین c c قسمی از ضلع ثانی را طرف a قسم آخر را c و ضلع c c را

باب دهم در قواعد فن سباق و در آن چند مطلب است
مطلب اول در تعریف فن سباق و صور ارقام و کیفیت آن

بدانکه فن سباق عبارت است از حساب معاملات که متصدیان اهل اسلام بوضع
خاص آنرا در دفاتر حکام ثبت می نمایند و گویند اول اختراع این فن از جناب ولایت مآب
امیرالمومنین علی بن ابی طالب است علیه السلام و سباق در لغت بمعنی بر یک روش
راندن است باید دانست که چون در هر امر ابتدا بنام خداوند تعالی و سبحانه واجب است
لهذا بر پیشانی افراد اول دفاتر اکثر متصدیان (۱) نویسند دلالتی علی وحدۃ الله سبحانه
و بعضی لفظ هونگارند که کنایه از ذات باری است بلکه بر پیشانی هر مکتوب همچنین نوشتن
معقول است و برای اعداد صحاح غیر الواحد و الاثنین صورتی خاص از اسامی اعداد
عریبه استنباط نموده اند لهذا این ارقام را ارقام عریبه گویند و برای واحد و اثنین لفظ یک
و دو و مرقوم میسازند الا در رویه که در آن برای واحد لفظ عدد و برای اثنین لفظ عددان
و صغ کرده اند و کسور صحاح را در اکثر اجناس بر قوم هندیه نویسند و عوام متصدیان آنرا
هندسه میگویند و این خطاء محض است و چون مخرج کسور هر مقدار پورا منعی ساخته اند
چنانچه در مطلب نهم باب المساحت در فصلی علیحدۃ مذکور گردیده لهذا مخرج را ترک
میکنند و صور ارقام صحاح ازین جدول واضح شود و بعد از ارقام صحاح اسم اشیا را که آن
ارقام مقدار اعداد او است می نویسند مثل اشرفی و ذرعه و ثمان و غیره الا در مشرات اعداد
بعضی اشیا سانی خاص می نهند چنانچه بیان آن بیاید انشاء الله تعالی

لهذا $(اب) + (ك) - (ك) = ب \times ك = ي$ (ا ك) به شكل ۱۲ من
ثانيه اصول و همچنين چون مثلث $ا م ك$ منفرج الزاويه است پس $(ا م) +$
 $(ك م) + (ا ك) = (ا م) \times ف = (ا م) \times ف = (ا م) \times ف$ (ا ب)
 $(ك) + (ك) = ب \times ك = ي = (ا م) + (ك م) + (ا م) \times ف$ بلکه
 $م + م - م = م = ع + ط + ع \times \frac{ط}{ع} = م + م - م = م = م + م + \frac{ع \times ط}{ع}$

$(ا م) + (ك م) + (ا م) \times ف = (ا م) + (ك م) + (ا م) \times ف$ بلکه
 $\frac{ع \times ط}{ع} + م = م + م - م = م = م + م + \frac{ع \times ط}{ع}$
و هرگاه مقدار $ب$ اي يعني

م معلوم شد چون $(ا ي) = م - م$ است پس ضرورتاً مقدار $اي$ پير معلوم خواهد شد
و همچنين چون $(ا ك) = م + م - م$ است پس مقدار $ا ك$ نيز معلوم خواهد
گردید و چون در هر مثلث $ك$ في الدائره باشد مسطح عمود في قطر دائره مساوي مسطح
الضلعين مي باشد كه ثابت في الاصول و مثلث $ا ك ب$ در دائره مطلوبه واقع شده و
 $اي$ عمود است پس نسبت $اي$ يعني عمود بطرف $ا ك$ مثل نسبت $اب$ بطرف
قطر ايره باشد بلکه هرگاه مسطح الضلعين يعني $ا ك \times اب$ را بر $اي$ يعني عمود نسبت
کنند خارج مقدار قطر دائره مطلوبه خواهد بود تا به هم هدهه صورته (شكل ۱۹۵)

سؤال سي و ششم اگر جميع اصلاح شكل منحرف $ك$ زاويتين متقابلين مسطحه اند مثل
 $ا ب ك$ مع مساحت آن معلوم باشد پس نخواهيم كه مقدار نظر اعظم آن بدانيم تا كه شكل
منحرف مذکور متعين شده و جواب قطرين الزاويتين الحادتين را مثل $ا ك$ وصل كردم
و در ضلع $ا م$ عمود $ك ي$ و در ضلع $اب$ عمود $ك ف$ قائم نمودم پس لامحاله
زاويه $ع$ و زاويه $ب$ متقابلتين ممنوعتين اند پس هر دو عمود خارج مثلث واقع خواهد شد
پس $ا م$ معلوم را $م$ و $ك$ معلوم را $م$ و $ب$ معلوم را $ط$ و $ع$ معلوم را
 $ع$ و مكرر يعني مساحت را $(ر)$ بمقدار $م ي$ يعني قدر واقع ما بين زاويه $ع$ و موقع العمود را
 $م و ب$ يعني قدر واقع ما بين زاويه $ب$ و موقع العمود را $م$ فرض كردم و در بصورت

رقم هندی	اسماء الاعداد	ارقام سبانی	رقم هندی	اسماء الاعداد	ارقام سبانی
۱۰۰	مائه	۱۰	۲۰۰۰	الف	۲۰۰۰
۲۰۰	مائتان	۲۰	۳۰۰۰	ثلاثة آلاف	۳۰۰۰
۳۰۰	ثلاثمائة	۳۰	۴۰۰۰	اربعة آلاف	۴۰۰۰
۴۰۰	اربع مائه	۴۰	۵۰۰۰	خمسة آلاف	۵۰۰۰
۵۰۰	خمسمائة	۵۰	۶۰۰۰	ستة آلاف	۶۰۰۰
۶۰۰	ستمائة	۶۰	۷۰۰۰	سبعة آلاف	۷۰۰۰
۷۰۰	سبع مائه	۷۰	۸۰۰۰	ثمانية آلاف	۸۰۰۰
۸۰۰	ثمانمائة	۸۰	۹۰۰۰	تسعة آلاف	۹۰۰۰
۹۰۰	تسع مائه	۹۰			
۱۰۰۰	الف	۱۰۰			

و در هر دهه صد بصورت نگارند اینها را اندک است که این صدان را بعضی هزار استعداط کرده اند و هر عشرات الوف هر اشیا اگر عشرات الوف صرف باشند همس صدان می نگارند

و از عشرات الوف بطور عشرات اعداد نویسند و نشان هزار بران گذارند چنانچه ده هزار بدینصورت است و بازده هزار بدینصورت است و بیست و چهار هزار بدینصورت است و هكذا و اگر با الوف و هات و عشرات واحاد هم باشد هات و عشرات واحاد را فوق الوف نویسند مثلا دو هزار و چهار صد و بیست و پنج بدینصورت اعطای است و هكذا تا بود و ده هزار و بعد از آن چون اهل هند مائة الوف را لاکهه میگویند اهل افغان

$$- ط^۲ \times \frac{(ف^۲ + ع^۲ + د^۲ + ع^۲ + د^۲)}{م} = ح^۲ + ا^۲ \times د^۲ \times \frac{(ف + ع + د)}{م} \text{ بلکه } م^۲ ط^۲ - م^۲ د^۲ -$$

$$\frac{ط^۲}{م} - \frac{ا^۲ ط^۲ ع^۲}{م} - \frac{ا^۲ ط^۲ د^۲}{م} = \frac{ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ د^۲}{م} \text{ بلکه } م^۲ ط^۲ - \frac{ط^۲}{م}$$

$$- ح^۲ = م^۲ د^۲ + \frac{ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ط^۲ د^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ د^۲}{م} = (م^۲ + \frac{ط^۲ ع^۲}{م})$$

$$\left(\frac{ا^۲ ح^۲ ع^۲}{م} \right) \times د^۲ + \left(\frac{ا^۲ ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ د^۲}{م} \right) \times د^۲ \text{ و هرگاه } م^۲ ط^۲ - \frac{ط^۲}{م} - ح^۲ \text{ را ف فرض کنیم}$$

$$\text{و } م^۲ + \frac{ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ ع^۲}{م} \text{ را } ل \text{ و } \frac{ا^۲ ط^۲ ع^۲}{م} + \frac{ا^۲ ح^۲ د^۲}{م} \text{ را } و \text{ فرض نمایم چرا که همه}$$

$$\text{رقوم معلوم اند پس } ل + د^۲ = و = ف \text{ بلکه } د^۲ = \frac{و}{ل} + \frac{و}{ل} = \frac{و}{ل} + \frac{ف}{ل} \text{ بلکه } و +$$

$$\frac{و}{ل} = \left[\frac{و}{ل} + \frac{ف}{ل} \right] \text{ بلکه } د^۲ = \left[\frac{و}{ل} - \frac{و}{ل} + \frac{ف}{ل} \right] \text{ و هرگاه مقدار } و \text{ معلوم شد}$$

چون $ط^۲ + ع^۲ + د^۲ = ا^۲ ح^۲$ است پس ضرورتاً مقدار $ا^۲ ح^۲$ معلوم خواهد شد
 بلکه مقدار $م$ و $ک$ و $ی$ و $ف$ نیز معلوم خواهد گردید و هوالمطلوب

و هذه صورته (شکل ۱۹۶)

مطلب دوم در بیان سال و ماه و روز و در آن چند بیان است

بیان اول در حقیقت سال و ماه و روز

باید دانست که چون همه از اجرام سماوی ظاهر تر افتاب و ماه تاب اند لهذا دوره سال را برگردش شمس نهاده اند که مدار کار و بار جهانیان بر فصول است و فصول از گردش شمس حاصل می شود پس مدت دور شمس از یک نقطه منطقه البروج که مدار شمس است و آنرا در هندی لکن مندل و در انگریزی زاویه گویند تا معاودت او بهمان نقطه یک سال شمسی حقیقی اعتبار کرده اند و نیز منطقه البروج را دوازده حصه متساوی فرض کرده مدت سیر شمس دور هر حصه را شهر و ماه شمسی خوانند و ازین سبب سال شمسی منقسم بدوازده ماه میگردد و همچنین مدت دور قمر را از وضع معین نسبت شمس تا معاودت او بهمان وضع یکماه قمری قرار داده اند مثل مابین هلالین خواه مابین بدرین خواه مابین محاقین و غیر ذلک و چون دوازده دور قمری قریب یک دور شمسی میشود لهذا دوازده ماه قمری را یک سال قمری می شمارند و این سال و ماه قمری نیز حقیقی باشد و چون بسبب اختلاف حرکات نیرین مذکورین وسط ایام شهر ممکن نیست لهذا عقلای اکثر دپار ایام شهر هر یکی از شمسی و قمری را تحمینا مختلف مقرر نموده اند و آنرا شهر و سال اصطلاحی گویند و برای مطابقت سال و ماه حقیقی یک روز خواه زیاده از آن بحسب حیات در سالهای معین برنامههای معین از شمسی و قمری می افزایند و آنرا بوم کیسه گویند و آن شهر و سال را شهر و سال کیسه خوانند و کیسه در لغت معنی کم آمد سال است پس هر یکی از سال شمسی و سال قمری و ماه شمسی و ماه قمری منقسم بدو قسم شد یکی حقیقی دوم اصطلاحی که مجموع هشت اقسام باشد و بیان هر یک در محل خودش کرده شود انشاء الله تعالی و شبانروز نیز بر دو نوع است یکی حقیقی و دوم وسطی و شبانروز حقیقی نزد منجمان اهل فارس و مغرب و عرب و ترک از نیم روز تا نیم روز دیگر است و نزد منجمان خطا و اینخورا نصف شب تا نصف دیگر و نزد اهل عرب و اهل شرع از فروب شمس که اول شب است تا فروب دیگر و نزد اهل هند از طلوع شمس که اول روز است تا طلوع دیگر و شبانروز وسطی مقدار یکدور پاک اعظم است که آنرا حرکت بوم بلیله گویند مع حرکت وسطی شمس و آن از روی رصد الغ بیگی بطرح بر صبح خامسه است

و باید دانست که مقلای برای ضبط اوقات امور ذات و واقعات مالی را که در آن حادثه عظیم مثل ظهور مانی یا جلوس پادشاهی یا طوفانی یا زلزله و امثال آن واقع شده باشد مبدأ تاریخ مقرر کرده اند و آن بحسب اصطلاح هر قوم مختلف است چنانچه در عهد بالعدل تاریخ هجری و فرس و رومی و انگریزی و هندی که آنرا سنبت گویند مشهور است و بیان هر یک در محل خودش کرده شود انشاء الله تعالی و نام ماه های هری و فارسی و رومی و عیسوی و هندی و نام برج چ و وارده گانه از جدول واضح شود جدول این است

نام ماه های هندی	نام ماه های عربی	نام برج هندی	نام برج اندکریزی	نام ماه های فارسی	نام ماه های رومی	نام ماه های هندی	نام ماه های انگریزی
محرم	حمل	بمکه	اریز	مرداد	دیسان ۳۰ یوم	نیمانه	اپریل ۳۰ یوم
شهر	ثور	نرکه	نارس	اردیبهشت	ایار ۳۱ یوم	چفته	می ۳۱ یوم
ربیع الاول	جبر	متهن	حمبتی	خورداد	حریران ۳۰ یوم	اسانه	جون ۳۰ یوم
ربیع الثانی	سرطان	کرک	کیدمر	تدر	تغور ۳۱ یوم	سانون	جولائی ۳۱ یوم
جماهیر الاولی	اسد	سنگ	نیصر	مرداد	آب ۳۱ یوم	بهادران	اگست ۳۱ یوم
جماهیر الاخری	سنبله	کدیا	ورگو	شهریور	ایلول ۳۰ یوم	آسن	سپتمبر ۳۰ یوم
رجب	میزان	نور	لیدیا	مهر	تخرن الاول ۳۱ یوم	کاتک	اکتوبر ۳۱ یوم
شعبان	عقرب	برجهه	سگارپو	آبان	تخرن الاخر ۳۱ یوم	انگن	نومبر ۳۱ یوم
رمضان	قوس	دهن	جیحی ثوس	آذر	کانون الاول ۳۱ یوم	بوس	دسامبر ۳۱ یوم
شوال	جدی	مکر	کری گارد	دی	کانون الاخر ۳۱ یوم	ماگه	جنوری ۳۱ یوم
دی قعدة	دلو	گودبه	امکولرس	مهرمن	سداط ۲۸ یوم	پهان	فبروری ۲۸ یوم
دی حجه	حوت	منن	پصر	اسفند	آذر ۳۱ یوم	چیت	مارچ ۳۱ یوم

اسلام آنرا لک می نویسند و اگر یک لک صرف باشد در هر اشیا اسماء اشیا بعد از آن نویسند مثل
 یک لک روبه و یک لک اشرفی و یک لک بیگه و غیر آن و اگر الوف و مات و احاد و عشرات
 هم باشد پس یک لک را فوق و الوف و غیره را تحت آن نگارند و نشان هر اشیا مثل بیان صدر
 گذارند و همچنین ما فوق لک اسامی مراتب مددیة هندیه را می نویسند مثل کرور و ارب
 و گهرب و در روبه کسر اول را که آنه است بر قوم هندیه نویسند و در بسیار آن نشانی می نهند
 بدینصورت - مثل یک آنه ۱ - و دو آنه ۲ - و چون آنه را چهار قسم سازند و هر قسم را بائی گویند اضنی
 ربع آنه بدینصورت نویسند - و برای نصف آنه نقطه در بسیار آنه گذارند مثل یک و نیم آنه
 ۱۰ - و سه ربع آنه را بدینصورت - و بعضی آنه را بیست حصه کنند و هر حصه را گنده گویند
 و آنرا بعد بر قوم آنه بر قوم هندیه نوشته لفظ کنند نگارند و هر گنده را چهار حصه نموده هر حصه را
 کتوی گویند و همچنان بر قوم هندیه نگارند و دو فلوس را تکه و سه فلوس را بیست و پنج دام
 مقرر کرده بدینصورت نویسند ۲۵ دام و نیز شانزدهم فلوس را ادهی گویند و بدینصورت
 نگارند ۱۰ دام و ثمن و اوس را دتری خوانند و بدینصورت نویسند ۳ دام و نصف فلوس را
 ادهله گویند و بدینصورت نگارند ۱۲ دام و ربع را چهارم گویند و بدینصورت ۱ دام و هکذا
 جمع کسور تا تکه بههین صورت بحساب فی تکه ۱۰ دام می نویسند و در اوزان چهل اثار
 که من شاهجهانی است بس هر چه کمتر از چهل اثار باشد آنرا بر قوم هندیه نوشته در بسیار
 آن لفظ اثار می نهند مثل دو اثار بدینصورت ۲ اثار و غیره و هر اثار را شانزده حصه نموده
 هر حصه را چهتا یک خوانند و بدینصورت نویسند اثار و نصف چهتا یک بدینصورت -
 و دو چهتا یک بدینصورت ۲ اثار و ربع اثار را بدینصورت - اثار و نیم اثار را بدینصورت
 ۱۰ اثار و همچنین در اراضی لفظ ذره خواجه بیگه می نگارند و حصه شانزدهم را گره و حصه
 بیست و چهارم طسوح خوانند و حصه بیستم بیگه را بسوا گویند و هکذا و کسور را بر قوم هندیه
 و کسور کسور را اگر ربع است - و اگر نصف است * نویسند و زبانه را بر قوم هندیه نکاشته
 اسم کسور بر آن می نویسند *

اگر یکدور را شصت فرض کنند و روز نزد منجمان اهل فارس و روم و هند را طلوع مرکز شمس است تا هروب او و نزد اهل شرق از طلوع صبح صادق است تا هروب تمام جرم شمس و چون انتهای روز باشد ای شب و انتهای شب ابتدای روز پس برین منوال حال شب نیز یاس باید کرد و منجمان اهل فارس و مغرب و روم و فرنگ و هند هر یک از شبانروز حقیقی و وسطی را بیست و چهار قسم کنند و آنرا ساعات مستویه و معتدله گویند و نیز از هر یک از شب و روز را بدوازده قسم متساوی کنند و ساعات معوجه و زمانی خوانند و منجمان خطا و اهور و ترک شانروز را بدوازده قسم متساوی کنند و آنرا جاغ گویند و برای آن دوازده نام مقرر کرده اند و اسمی آن از جدول معلوم شود و هر حاضی را بهشت قسم کنند و آنرا گهننه گویند و نیز دوازده سال را یک دور قرار داده اند و نام هر سال با اسمی جاغ مقرر ساخته چنانچه منجمان در تقویم آنرا مینویسند و صوام آنرا سواری نوروز نویسند و سال را نیل گویند چنانچه در دفاتر و فرامین دادشاهی نشان نیل و اوایل و ضمیران نوشته میشوند و نیز شبانروز را دوازده هزار قسم قسمت کنند و هر قسم را فنک گویند *

اسامی حافظها

خطا	انگور	ترکی	فارسی مطابق ترکی
زه	کسکر	منچقان	موش
چو	اری	ارد	بقر
نعم	پارس	پارس	پادک
از	تسقان	تسقان	حرگوش
چن	لری	لوی	بهدک
مدر	اندان	اندان	مار
هز	بودن	بومنت	اسب
وی	دوی	دوی	گوسپند
شن	پچین	پدج	بوزنه
لوه	دافوی	لغامو	مرغ
مدق	ایست	ایب	سگ
جای	طولعور	نگور	خوک

خزانه العلم

عدد روز مدخل سالهای ناقصه هجری

روز	۵	۴	۳	۲	۱	۰
۱	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه
۲	دوشنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه
۳	شنبه	پنجشنبه	دو شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه
۴	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	چهارشنبه
۵	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۶	چهارشنبه	دو شنبه	یکشنبه	شنبه	پنجشنبه	یکشنبه
۷	شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه
۸	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۹	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه
۱۰	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه
۱۱	شنبه	پنجشنبه	دو شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه
۱۲	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه
۱۳	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۱۴	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	یکشنبه
۱۵	شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه
۱۶	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۱۷	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه
۱۸	دو شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه
۱۹	شنبه	پنجشنبه	دو شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه
۲۰	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه
۲۱	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۲۲	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	یکشنبه
۲۳	شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه
۲۴	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه
۲۵	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه
۲۶	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	چهارشنبه
۲۷	شنبه	پنجشنبه	دو شنبه	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه
۲۸	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه
۲۹	یکشنبه	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه
۳۰	چهارشنبه	دو شنبه	شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	یکشنبه

و باید دانست که اهل هند و فرنگ هفت روز را منسوب بکواکب سبعة سیاره می نمایند و آنرا هفته میگویند و نام هر روز را بنام کواکب منسوب الیه موسوم میسازند و اول هفته نزد آنها روز یکشنبه است که منسوب بشمس است لعلو شانه و اهل عرب ایام هفته را معین می کنند لیکن منسوب بکواکب نمیسازند و گویند که ایزد تعالی جمیع مخلوقات را از ابتدای یکشنبه تا روز جمعه بیا فرید و روز شنبه استراحت نمود لهذا یکشنبه را بوم الاحد و دوشنبه را بوم الاثنین و سه شنبه را بوم الثالث و چهارشنبه را بوم الاربع و پنجشنبه را بوم الخمیس خوانند و چون پیدایش جمیع مخلوقات بروز جمعه تمام شد آنرا بوم الجمعة خوانند و شنبه را بوم السبت گویند چه سبت بمعنی آسایش است و این بموجب معتقد بودن است پس اول هفته نزد آنها روز یکشنبه باشد و نزد اهل اسلام اگر چه ابتدای افرینش از روز یکشنبه بموجب حدیث ثابت میشود و ترجمه حدیث اینست که خالق کن میکند روز یکشنبه و دوشنبه زمین را افرید و حبال معدن را روز سه شنبه مخلوق گرداند و روز چهارشنبه امصار و انهار و اموات را پدید آورد و در روز پنجشنبه تا سه ساعت روز جمعه سماوات و ملائکه را خلق کرد آسمان و هم برین دال است کلام الهی خلقنا السموات والارض وما بينهما فی ستة ايام ثم استوعب علی العرش اگر چه ثم استوعب علی العرش دلیل بر بودن روز شنبه است در ای مطابقت حدیث لیکن روز شنبه را بوم استراحت گفتن ازین حدیث ثابت نمیشود چه ظاهر است که ایزد سبحانه از استراحت و غیر استراحت صرة است تعالی شاه نهاد اول هفته نزد اهل اسلام روز شنبه است و نزد اهل فارس و در زمان و در بوم ایام هفته معین نیست چرا که فارسبان یکماه راسی روز قرار داده برای هر روز نامی خاص معین کرده اند چنانچه بیان آن بیاید انشاء الله تعالی چنانچه در زیج الع یکی و بهایه الادراک مندرج است و ازین سبب معلوم میشود که شبیه و یک شبه و غیره نامهای هفتگانه از مصطلحات متأخرین اهل فارس است که بمطابقت اهل عرب مقرر ساخته اند چنانچه روز جمعه برین معنی دال است که حرف عین مخصوص کلام عرب است و نام ایام هفتگانه و نام کواکب سبعة سیاره که در هند و فرنگ و فارس و عرب مشهور است درین جدول ثبت افتاد *

(۶۳۷)

حزانه العظم

در تاریخ مسوی بولادت حضرت عیسی علیه السلام از غره جنوری و سالهای
 و شهرهای این هردو تاریخ شمسی اصطلاحی اند چرا که سه صد و شصت و پنج روز و ربع
 روزی زیادت و نقصان سال می شمارند و شهرهای دوازده گانه هردو تاریخ در عدد ایام
 متساوی اند چنانچه در جدول شهرت افتاد و چون مجموع ایام سال این هردو تاریخ
 سه صد و شصت و پنج میشود لهذا در سال چهارم بعضی کسری ربع در تاریخ رومی بماء شباط
 و در مسوی بماء فروری یک بوم کیسه می افزایند و باید دانست که اول سال عیسوی
 منی غره جنوری بیست و یکم کانون الاول سال کیسه بود پس از سال دوم تا سه سال
 بتاریخ بیستم ماه مذکور غره جنوری شد بعد از آن تا چهار سال رومی بتاریخ بیست و یکم
 کانون الاول غره جنوری میشود و باز تا چهار سال بتاریخ بیستم ماه مذکور غره جنوری
 واقع میشود و پس از آن باز تا چهار سال بتاریخ ۲۱ صود میکند و ابتدای سال رومی از قریب
 راس میزان و ابتدای سال عیسوی از قریب راس الجدی است و نیز باید دانست
 که سال رومی قبل از سال عیسوی است سه صد و یازده هزار و هشتاد و یک بوم و از
 روی حساب ۱۱۳۶۷۳ بوم میشود و اگر میخواهند که مجموع ایام سالهای رومی
 خواه عیسوی تا تاریخ معین بدانند باید که سالهای گذشته را سه صد و شصت و پنج
 ضرب کنند و ربع عدد سالهای گذشته را که صحیح باشد بر آن بیفزایند که مجموع ایام سالهای
 گذشته باشد و بر آن ایام ماه گذشته مع تاریخ مطلوب زیاده کنند که مجموع ایام تا تاریخ
 مطلوبه باشد و آنرا هفت هفت طرح کرده باقی را از روز و شب بشمارند اگر مطابق روز
 تاریخ مطلوبه بود فهو المراد و الا یک روز بیفزایند خواه بگافند تا عدد ایام درست شود و اصله
 این همه بیاید انشاء الله تعالی *

بیان چهارم در تاریخ فارسی بدانکه مبدء این تاریخ روز سه شنبه سال جلوس یزد
 جردین شهر بار است و شهر این تاریخ نیز شمسی اصطلاحی است چه سه صد و شصت
 و پنج روزی کسری سال میگیرند و ماه های رومی سی روز در احوال آن پنج روز کیسه
 زیاده می کند و آنرا خسته مسترقه گویند هر مزد $\frac{1}{2}$ نهن $\frac{2}{2}$ اردی بهشت $\frac{3}{2}$ شهر بود

دسته اول	دسته دوم	دسته سوم	دسته چهارم	دسته پنجم	دسته ششم	دسته هفتم	دسته هشتم
الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح
خ	د	ذ	ر	ز	س	س	ش
ص	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ
گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ	گ

توضیح در خصوص جدول فوق

این جدول برای تشخیص و تفکیک حروف مشابه در نگارش و تلفظ کلمات فارسی طراحی شده است. هر سطر شامل یک حرف از الفبای فارسی است که در ستون‌های مختلف به گونه‌های مختلف نگاشته شده است. این روش به یادگیرندگان کمک می‌کند تا تفاوت‌های ظریف بین حروفی که در نگاه اول شباهت دارند را دریابند. همچنین این جدول می‌تواند به عنوان ابزاری آموزشی برای کودکان و زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان استفاده شود. در هر سطر، حرف اصلی در ستون اول قرار دارد و در ستون‌های بعدی، آن حرف با حروف دیگر ترکیب شده است تا شباهت‌های احتمالی را نشان دهد. این کار به تقویت مهارت تشخیص حروف و بهبود دقت در نگارش و شنیدن کلمات کمک می‌کند.